

دنیای بستک

ماهنامه انجمن بسته ایران
سال پنجم - دی ۹۹ - شماره ۵۴





شرکت
پسته
پدیده
سیرجان

www.iran-pistachio.com

دفتر مرکزی: سیرجان. بلوار امام رضا (ع)، نبش خیابان

شهید هاشمی نژاد، پلاک ۶۶۹

کارخانه: سیرجان. کیلومتر ۱۲ جاده سیرجان - تهران

تلفکس: ۰۳۴-۴۲۲۴۶۷۱۳ همراه: ۰۹۱۳۳۴۷۹۲۴۱-۰۹۱۳۱۴۵۱۸۳۸

تلفن: ۰۳۴-۴۲۲۴۶۵۹۳ کد پستی: ۷۸۱۴۹۸۳۱۳۱

Central Office: No. 699, Imamreza blvd, Sirjan, Iran

Factory Add: 12th km of sirjan, Tehran road, Sirjan, Iran

Email: info@iran-pistachio.com Tel: +98 34 4224 6593

Mob: +98 913 145 1838 / +98 913 347 9241



کمیپکس

Complex

حاوی ۹ عنصر غذایی ماکرو و میکرو

تولید، عرضه و پخش برندهای برتر صنعت کشاورزی (کود، سم و ابزار آلات کشاورزی)



میکروگان
MicroGun



فرتی روس
Fertirus



کمیپکس پلاس
Complex Plus



پتاسل
PotaSol





Sirjan Bonyad
Agricultural CO.

www.pistachio-tooka.ir

*The superior producer of pistachio in Iran
& the middle East*

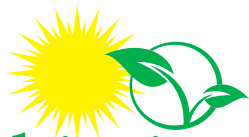


شرکت کشاورزی سیرجان بنیاد

آدرس: کرمان-سیرجان-بلوار سید جمال الدین اسدآبادی صندوق پستی شماره ۴۶۱

تلفن: ۰۳۴)۴۲۳۰۱۱۸۳/۴۲۳۰۵۴۳۰

فاکس: ۰۳۴)۴۲۳۰۵۲۴۳



kimia zarin

Producer of
Amino Acids
Chelated Amino Acids
Fe, Zn, Ca, B, Mo, Cu



کیمیا زرین

تولید کننده تخصصی انواع
اسیدهای آمینه
و کلات های آمینو اسید
دارای ثبت ماده کودی از خاک و آب



مهمترین اثرات استفاده از
آمینو اسیدها در گیاهان:

- محرک رشد
- افزایش مقاومت گیاه در برابر تنش های محیطی
- افزایش مقاومت گیاه در برابر سرمازدگی
- بهبود دهنده طعم و رنگ میوه
- ایجاد کلات های بسیار قوی با ریز مغذی ها و افزایش جذب عناصر
- افزایش راندمان جذب عناصر تا حدود ۲ برابر بیشتر نسبت به کلات های شیمیایی



محمولی از شرکت آذرکاوین



دارای گواهی ارگانیک
از شرکت بیوسان گواه
BIOSUN CERTIFIER

آدرس: تهران، ولنجک، خیابان یمن شمالی، مرکز تحقیقات گیاه پزشکی کشور
واحد رشد و فناوری
تلفن: ۰۲۱ - ۲۲۴۱۶۲۰۸
موبایل: ۰۹۱۲ ۸۳۰۱۰۸۰

www.KimiaZarin.com



تحلیل نتایج آزمایش برگ پسته به روش آمریکایی دریس
(Diagnosis Recommendation integrated System)

پیش بینی کمبود عناصر غذایی قبل از خسارت
یافتن عنصر غذایی محدود کننده عملکرد در باغ



محصولات زمستانه



Best Quality Maximum Efficiency
بهترین کیفیت ماکزیمم عملکرد

روغن ولک

(روغن امولسیون شونده)

کنترل انواع آفات، عدم باقیماندن سم روی محصولات و جبران تامین نیاز سرمایی زمستانه

میکروماکس

(کامل میکروگرانول)

کود کمپلکس کامل با فرمولاسیون و بالانس مناسب از 11 عنصر ضروری و مورد نیاز گیاه

زئو ارگانیک

(کامل ماکروگرانول)

کود کامل ماکرو حاوی عناصر ماکروالمنت به همراه زئولیت، ماده آلی و اسیدهیومیک

فیکسر

(کاهش دهنده PH خاک)

کاهش دهنده PH، اصلاح کننده EC و شوری خاک، تبدیل کننده آهک به گچ کشاورزی



شرکت به رشد کویر رفسنجان

تولید کننده انواع سموم دفع آفات نباتی و خانگی
کودها و مواد مورد مصرف در کشاورزی

تلفکس: ۰۳۴-۳۴۲۶۹۶۸۹ همراه ۰۹۱۲۸۱۰۷۰۰۶



www.behroshd.ir



@behroshdkavir

پسته ایرانی با محصولات سینجنتا سوئیس خندان می‌شود



Actara®



Memory®



Eforia®



Match®



Lufox®



KarateZeon®



Isabión®



Sequestrene®



ThiovitJet®



syngenta®

تهران . ونک . خیابان ملاصدرا . تقاطع شیخ بهایی . پلاک ۱۱۰ و ۱۱۲ طبقه ۷ تلفن: ۷۳۳۶ ۸۸۰۶ - ۰۲۱

www.syngenta.ir

@syngenta_iran

فهرست

انجمن

باغبانی

بازرگانی

آب

۱۰	انجمن و اقتصاد آزاد
۱۷	تقویم زمستانه پسته
۲۰	نگهداری از باغ‌ها در شرایط کم‌آبی و شوری
۲۵	مدیریت آب شور نیازمند درک دولت
۲۹	ضرورت توجه به ویژگی‌های نهال پسته
۳۰	وضع قیمت و تجارت پسته
۳۲	صرفاً تاجر ایرانی تعیین‌کننده قیمت نیست
۳۶	تداوم صادرات پر قدرت پسته ایران
۳۷	نخبگان سیاسی؛ مصرف‌کنندگان پنهان آب

ماهانامه دنیای پسته

صاحب امتیاز: انجمن پسته ایران
مدیر مسئول: حجت حسنی سعدی

سر دبیر: ابوالفضل زارع نظری
هیئت تحریریه: سحر نخعی

حجت حسنی سعدی
مریم حسنی سعدی
بهار زندرضوی
سفارش آگهی‌ها: فاطمه السادات حسینی صفت

صفحه آرا: نرگس بامری

چاپ: انجم شعاع
لیتو گرافی: انجم شعاع

www.iranpistachio.org
info@iranpistachio.org

کرمان / بلوار جمهوری اسلامی / خیابان شهید لاری نجفی (۲۰ متری نادر)
کوچه شماره ۲ / ۱۲ / کد پستی: ۷۶۱۹۶۴۳۱۴۹
تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۷۵۷۴۹ / ۰۳۴-۳۲۴۷۸۵۵۳

انجمن پسته ایران در قبال صحت و سقم ادعاهای مطرح شده در آگهی‌ها، هیچگونه مسئولیتی ندارد.
استفاده از مطالب با ذکر مأخذ مجاز است.

گفت‌وگو با فرهاد آگاه عضو هیئت مدیره انجمن پسته ایران

انجمن و اقتصاد آزاد



تخصیص بهینه منابع مادی محدود دنیا در مقابل تمایلات و تقاضاهای نامحدود بشر است. به بیان ساده‌تر، اقتصاد «علم صرفه‌جویی» است. بنابراین، سوژه مطالعه علم اقتصاد از یک سو غرایز، خصلت‌ها و رفتارهای بشر و از سوی دیگر منابع مادی دنیا می‌باشد. ابزار این کار هم مانند تمام علوم دیگر، یکسری فرمول‌های ریاضی است. مثلاً در شاخه‌ای از علم اقتصاد تحت نام «اقتصاد رفتاری» که اخیراً هم خیلی پویا شده است، با کمک بخشی از ریاضی به نام تئوری بازی‌ها، ابزارهای ریاضی دیگر و حتی شاخه‌هایی از علم روانشناسی، نشان داده می‌شود که افراد در موقعیت اخذ یک تصمیم اقتصادی مشخص، معمولاً چه عکس‌العملی نشان می‌دهند.

اگر اقتصاد آزاد علم است، پس باید بگوییم اقتصاد کمونیستی هم علم است! چون کسانی که نام آن را یدک می‌کشند، تحلیل گذشته و پیش‌بینی آینده را دارند. این‌طور نیست؟

در تاریخ علم فیزیک، نظریه‌ای وجود داشت به نام نظریه هیئت بطلمیوسی. این نظریه فرض می‌کرد که زمین در مرکز عالم است و خورشید، ماه، سیارات و مابقی اجرام آسمانی دور زمین می‌چرخند. جهت تفسیر مشاهدات واقعی از حرکت اجرام آسمانی، ستاره‌شناسان قدیم مجبور بودند یکسری از فرمول‌های ریاضی خیلی پیچیده را بر اساس این

مجبور کنند که بر اساس فرمول آنها عمل کند. بنابراین، علم فیزیک چیزی نبوده که آدمیزاد به دنیا تحمیل کرده باشد و حتی قبل از کشف آن توسط بشر نیز دنیا بر اساس آن می‌چرخیده است. در علم فیزیک هیچ وقت از کسی سؤال نمی‌شود که به مکتب فیزیک نیوتنی، نسبت یا کوانتوم اعتقاد داری یا نه، زیرا هر یک از آنها در توضیح و پیش‌بینی اتفاقات حیطه خود، بدیل بهتری ندارند و تا زمانی که بدیل بهتری برای هر یک از آنها پیدا نشده، مبنای علم فیزیک تلقی می‌شوند. علم اقتصاد هم، قبل از اینکه آدمیزاد به کشف آن نائل شود، وجود داشته و بدون اینکه آدمیزاد خودش بداند، زندگی مادی بشر بر اساس اصول آن می‌چرخیده است. اقتصاد بازار آزاد هم مثل مکانیک نیوتنی در علم فیزیک است؛ یعنی حتی اگر فرد یا گروهی بخواهد بر خلاف اصول آن کار دیگری بکند، زورش به سر آن نرسیده، دیر یا زود مجبور به پذیرش واقعیات آن خواهد بود. برای همین، من فکر می‌کنم که اقتصاد آزاد، نه یک مکتب فکری که عده‌ای می‌توانند به آن اعتقاد داشته یا نداشته باشند، بلکه یک علم است. البته این را باید در نظر گرفت که هر یک از علوم تجربی، در صورت ارائه بدیل بهتر برای توضیح پدیده‌ها، تغییر و اصلاح‌پذیرند؛ اما تا زمان ارائه بدیل بهتر، علم محسوب می‌شوند. در علم اقتصاد هم، تاکنون بدیل بهتری برای تئوری اقتصاد بازار آزاد پیشنهاد نشده است. مثال‌های زیادی در تأیید این ادعا می‌توان آورد؛ شاید واضح‌ترین آن، چین کمونیست باشد که علی‌رغم اصرار در حفظ سیستم سیاسی تک حزبی کمونیستی، با پذیرش اصول علم اقتصاد بازار آزاد، ظرف مدت کوتاهی، در شرف تبدیل از یکی از فقیرترین کشورهای دنیا به اقتصاد شماره یک دنیاست.

اگر بخواهم سؤال اصلی علم اقتصاد را تشریح کنم، به بیان کوتاه «چگونگی

از بدو تأسیس انجمن تا به امروز همواره در جلسات، گردهمایی‌ها و یا حین تصمیم‌گیری‌های کلان و خرد انجمن به اهمیت رعایت اصول نظام اقتصادی بازار آزاد اشاره شده است. اما چرا انجمن پسته ایران باید فریاد آزادی اقتصاد داشته باشد؟ اصلاً آزادی اقتصاد به چه معنا است؟ آیا برداشت همه ما از این مفهوم یکسان است؟ در این بین، نحوه تأمین مالی انجمن و کارکرد آن نیز همواره مورد بحث بوده و چنین برداشت می‌شود که انجمن سراغ بسیاری از فعالیت‌های درآمدزا نرفته است.

از این رو سعی کردیم با تعدادی از اعضای هیئت مدیره و هیئت امنای انجمن برای روشن شدن این موضوع مصاحبه کنیم تا با برداشت ایشان از این مقوله و اهمیت آن آشنا شویم. بنابراین، در شماره‌های بعدی ماهنامه دنیای پسته مقالات و مصاحبه‌هایی در این مورد ارائه خواهد شد. در این شماره با فرهاد آگاه عضو دو دوره هیئت مدیره انجمن در این باره به گفت‌وگو نشستیم تا نظر وی را بدانیم.

آقای آگاه! برداشت شما از مکتب اقتصاد آزاد چیست و سرچشمه به وجود آمدن آن را چه می‌دانید؟
من این‌طور فکر می‌کنم که اقتصاد آزاد پیش از آنکه یک مکتب اعتقادی باشد، یک علم تجربی راجع به تبیین، توضیح و پیش‌بینی بخشی از پدیده‌های دنیا است؛ مثل علم فیزیک، شیمی یا روانشناسی. علم تجربی یعنی تفسیر و پیش‌بینی رویدادهای جهان مادی به زبان ریاضی. مثلاً، دانشمندان علم فیزیک صرفاً به کشف فرمول‌های ریاضی که جهان بر اساس آنها کار می‌کند پرداخته‌اند، نه اینکه فرمولی اختراع کنند و دنیا را

تصمیم و واکنش گروهی از انسان‌ها در مجموع و به‌طور میانگین چه خواهد بود. درست می‌گویید، علوم انسانی به قاطعیت علوم تجربی نیستند. مثلاً در همین اقتصاد رفتاری که قبلاً از آن نام بردم، نشان داده شده که افراد در برخی موقعیت‌ها لزوماً تصمیماتی که باعث حداکثرسازی سود آنها می‌شود، نمی‌گیرند و در این حالات ممکن است دیگر نتوان به تئوری کلاسیک عرضه، تقاضا و قیمت در پیش‌بینی بازار اتکا کرد. به همین دلیل می‌گویم علم می‌تواند دائم در حال تغییر و تحول و پیشرفت باشد، اما اصلاً این‌طور نیست که بگوییم علوم انسانی، بخشی از علوم تجربی نیستند.

آقای آگاه! هیچ‌کس ما را در انجمن پسته ایران به عنوان اقتصاددان صاحب نظر نمی‌شناسد. اینکه ما تئوری‌های اقتصادی را مطرح می‌کنیم و بعضاً نسخه می‌پیچیم، چقدر توجیه‌پذیر است؟ و ثانیاً آیا پابندی به نسخه خاصی از اقتصاد باعث نمی‌شود کار در انجمن که احتمالاً تفکرات مختلفی در آن وجود دارد سخت شود؟

به نظر من، بزرگ‌ترین مانع اصلاح و پیشرفت ایران از اوائل دهه ۱۳۵۰ به این سو، عدم نیاز مردم و حکمرانان کشور به باور به اقتصاد به‌عنوان یک علم بوده‌است. آدم و مملکت فقیر، چاره‌ای به‌جز زحمت‌کشی و پذیرش واقعیات دنیای مادی جهت ادامه زندگی و پیشرفت ندارد؛ اما آدم یا مملکتی که مقدار زیادی گنج بادآورده به‌دست می‌آورد، توان این را پیدا می‌کند که با تنبلی زندگی کرده و هزینه حماقت‌ها و توهمات خود را از محل گنج بادآورده خود جبران کند. متأسفانه، این بلای است که نفت و گاز به سر من و هم میهنانم آورده‌است. فکر می‌کنید چرا الان اینقدر کارگر افغانی در ایران قرب و عزت دارد و هر کارفرمای ایرانی، چنانچه اختیار داشته باشد، استخدام کارگر افغانی را به ایرانی ترجیح می‌دهد؟! پاسخ، چیزی به‌جز دسترسی به گنج بادآورده نفت

هم که با تئوری‌های قبلی قابل تفسیر نبودند، به کمک تئوری جدید قابل تفسیر و پیش‌بینی شوند. به نظر من اقتصاد آزاد در تفسیر وقایع گذشته و پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی بسیار موفق‌تر از بدیل‌های دیگر خود نظیر تئوری اقتصاد سوسیالیستی یا کمونیستی عمل کرده‌است.

وقتی از علوم مثل ریاضی و فیزیک سخن به میان می‌آید عمدتاً وجود فرمول‌ها و پاسخ‌های مطلق به ذهن می‌آید، اما اقتصاد نسبت به این علوم خیلی نسبی است. نظر شما چیست؟

این خاصیت علوم انسانی است. در علوم تجربی پایه خیلی به ندرت با عدم قطعیت سر و کار داریم؛ شاید اصل عدم قطعیت هاینبرگ در فیزیک کوانتوم یک استثنا باشد. البته در علوم تجربی هم گاهی به‌دلیل تعداد بسیار زیاد محاسبات، عملاً پیش‌بینی دقیق و کامل غیرممکن می‌شود؛ به‌عنوان نمونه در هواشناسی. ولی این علوم ذاتاً غیرقابل محاسبه و پیش‌بینی نیستند. اما در علوم انسانی با مغز پیچیده، اختیار و تصمیمات متفاوتی که آدمیزاد می‌تواند بگیرد طرف هستتید و تنها می‌توانید امیدوار باشید که پدیده‌ها را به صورت میانگین و آماری توصیف کنید؛ به صورت موردی و فردی نمی‌توان واکنش هر آدمی را پیش‌بینی کرد. در یک شرایط معین، هر فرد ممکن است نسبت به فرد دیگر، واکنش متفاوتی نشان دهد؛ ولی علوم انسانی پیش‌بینی می‌کنند که تصمیم و واکنش هر فرد به‌طور معمول و یا

تئوری برای مدار حرکت همه اجرام سماوی به دور زمین وضع کنند که حتی آن فرمول‌ها هم قدرت تفسیر برخی مشاهدات را نداشت. سپس دانشمندانی مثل کوپرنیک، کپلر و نیوتن فرمول‌های جدیدی کشف کردند و فرض هیئت بطلمیوسی را کنار گذاشتند. آنها متوجه شدند که اگر خورشید را در مرکز منظومه شمسی در نظر بگیرند، فرمول‌هایشان بسیار ساده‌تر و مغایرت‌های موجود بین مشاهدات و تئوری رفع می‌شود. این تئوری جدید برای مدت طولانی در پیش‌بینی و تفسیر مشاهدات جدید درست کار می‌کرد.

اما هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند یک فرمول و تئوری علمی همیشه پابرجا خواهد ماند. مثلاً، پس از کشفیات نیوتن، برای مدت‌ها فکر می‌کردند مکانیک نیوتن همواره درست است. اما دانشمندان بعد از مدتی متوجه شدند که فرمول‌های نیوتن در بعضی از رویدادهای کمتر متداول و یا اندازه‌گیری‌های خیلی دقیق، درست از کار در نمی‌آیند. اینجا بود که آقای آلبرت اینشتین گفت بعضی از فروض نیوتن و فرمول‌هایش در بعضی از شرایط خطا دارد. اینشتین گفت من یک مدلی ارائه می‌دهم که نه تنها آنچه فیزیک نیوتنی پیش‌بینی کرده را با دقت پیش‌بینی می‌کند، بلکه نقایص مکانیک نیوتنی را هم در تفسیر مشاهدات و اندازه‌گیری‌ها برطرف می‌کند.

پیشرفت علم یعنی اینکه تمام آنچه که قبلاً با تئوری‌های قبلی درست نشان داده شده در تئوری جدید هم درست دریابید و مشاهدات و اندازه‌گیری‌هایی



مالکیت خصوصی



دولت محدود



آزادی مبادله



مکانیسم عرضه و تقاضا



انگیزه نفع شخصی



رقابت

خصوصیات بازار آزاد



دکتر غنی نژاد - اقتصاددان

و گاز نیست که ایرانیان در آن غرقند و افغانیان از آن بی بهره؛ کما اینکه کارگر ایرانی قبل از دهه ۱۳۵۰، از شریف‌ترین و زحمت‌کش‌ترین کارگران دنیا بود.

نکته دیگری که در پاسخ سؤال شما باید به آن توجه کرد این است که در اقتصاد ایران، صنعت پسته یک استثناست. هیچ صنعت دیگری را پیدا نمی‌کنید که توانسته باشد بدون اتصال به شیر نفت و گاز دوام آورده و پیشرفت کند. دلیل این امر هم، به فیزیولوژی درخت و وضعیت بازار جهانی پسته برمی‌گردد. از یک سو، در طول ۱۰۰ سال اخیر، همواره تقاضای جهانی برای محصول پسته بیشتر از تولید آن بوده‌است. بنابراین، باغدار پسته ایرانی هیچ‌گاه محتاج به کمک و رانت دولتی نبوده‌است. از سوی دیگر، به دلیل فیزیولوژی منحصر به فرد درخت پسته، علی‌رغم تورم مزمن نفتی ناشی از بیماری هلندی در ایران که تمامی صنایع تولیدی بخش خصوصی را از پا درآورده، صنعت پسته توانسته به دلیل سهم پایین هزینه‌های جاری از قیمت تمام شده تولید محصول، از این مهلکه اقتصادی جان سالم به در ببرد. توضیح اینکه به دلیل سنگین بودن و دوره طولانی (قریب ده سال) تزریق سرمایه در باغ‌ریزی پسته که در هیچ صنعت دیگری مشابه ندارد، سهم هزینه‌های جاری در تولید پسته که با تورم بالا می‌روند، نسبت به سهم هزینه استهلاک و بازگشت سرمایه که صرفاً در دفاتر حسابداری ثبت می‌شوند، بسیار کم بوده و بنابراین تأثیرپذیری هزینه تولید پسته از تورم بسیار کمتر از تمامی صنایع دیگر است. بنابراین، باغدار و تاجر پسته ایرانی همواره توانسته در رقابت بازار آزاد جهانی گلیم خود را به راحتی از آب بیرون بکشد و نیازی به حمایت دولت و دست اندازی به منابع رانت نداشته است.

پس، از یک سو فکر می‌کنم که رسالت اجتماعی هر ایرانی و انجمن این است جهت اصلاح و پیشرفت مملکت بر مهمترین عامل مغفول آن یعنی حرکت بر مبنای اقتصاد آزاد پافشاری کند و از سوی دیگر فکر می‌کنم که صنعت پسته، تنها صنعت زنده بخش خصوصی کشور

است که علم اقتصاد بازار آزاد توانسته در آن ریشه بدواند. شما اگر به ساختار بخش خصوصی ایران نگاه کنید، متوجه خواهید شد که دغدغه اصلی فعالان بخش خصوصی، نه کار و تولید، که اتصال به منابع رانت نظیر سوبسید انرژی، وام ارزان، قیمت زمین یا ممنوعیت یا انحصار واردات است.

اما اینکه اینقدر انجمن صحبت‌های کلی راجع به اقتصاد آزاد بکند هم خودش یک بحثی است! به قول شما ممکن است درصد بالایی از اعضا و مخاطبین انجمن این سؤال را بپرسند که چرا اینقدر در مورد اقتصاد صحبت‌های انتزاعی، فلسفی و تئوریک می‌شود. در گردهمایی کیش، که همیشه یک روز از آن به موضوع اقتصاد آزاد اختصاص داده شده، این را تجربه کرده‌ام که تعدادی از اعضا که پای صحبت‌های اقتصادی می‌نشینند و حتی از آن لذت هم می‌برند، در آخر می‌گویند چرا به جای اینکه راجع به پیشرفت باغات جلسه بگذارید تا بتوانیم بهره‌وری را بالاتر ببریم و پسته بیشتری برداشت کنیم یا بتوانیم پسته‌هایمان را به قیمت بهتری بفروشیم، صحبت‌های انتزاعی در مورد اقتصاد می‌کنید.

پس لزومی ندارد که ما در گردهمایی‌های انجمن بحث‌های اقتصادی داشته باشیم؟

انجمن یک نهاد اجتماعی است و رسالت اجتماعی دارد. از نظر من، به دلایلی که بیان کردم، ترویج اقتصاد آزاد یک وظیفه اجتماعی انجمن است. هر وقت فکر می‌کنم ما انجمنی داریم که آینده ثابت خواهد کرد که همواره در مسائل اساسی

صنعت پسته و کشور در طرف درست ماجرا موضع گرفته بود، حس خوبی به من دست می‌دهد. اما این را هم درک می‌کنم که بخشی از اعضا، علایق و دغدغه‌های فوری‌تر داشته و با این پافشاری من همراه نباشند.

فکر نمی‌کنید انجمن اقتصاددانان ایران بهتر بتواند مواضع اقتصادی

را تبیین کند؟

اول اینکه، متأسفانه فکر می‌کنم به دلیل تاریخچه‌ای که قبلاً اشاره کردم و نیروی سیاه قوی ثروت بادآورده نفت و گاز و جنبه‌های جذاب و عوام‌فریبانه مکاتب سوسیالیستی، دیدگاه اقتصاد بازار آزاد حتی در بین اقتصاددانان و فعالین بخش خصوصی کشور هم دیدگاهی مهجور است. دوم اینکه حتی اگر نهادهای اجتماعی دیگر، نظیر انجمن اقتصاددانان، بهتر بتوانند این کار را بکنند، از نظر من دلیل این نمی‌شود که انجمن هم به سهم و توان خود به وظیفه اجتماعی خود عمل نکند. پافشاری روی اقتصاد آزاد از طرف انجمن پسته، به من به عنوان یک عضو، حس افتخار می‌دهد. برای اینکه فکر می‌کنم آینده و تاریخ نشان می‌دهد که پیشنهادات ما و مسیری که ما داشتیم و روی آن پافشاری می‌کردیم، مسیر درستی بوده‌است. به نظر من، دیر یا زود، مملکت به این نتایج می‌رسد و احتمالاً آن روز هم، هیچ‌کس نمی‌آید بگوید انجمن پسته این حرف‌ها را زد. دنبال افتخارش نیستیم؛ ولی اینکه همسو با مسیر درست پیشرفت ایران باشیم به من یک احساس لذت شخصی می‌دهد. بنابراین، چون اعتقاد راسخ دارم که پیشرفت صنعت

دست پنهان

اثر:

آدام اسمیت



«قصاب، آبجوساز و نانوا از روی
خبرخواهی غذای ما را تأمین
نمی‌کنند، بلکه هر کس برای
کسب سود و منافع خودش کار
می‌کند.»

و اخلاق‌مداری، در طولانی‌مدت، به نفع انسان است. در کوتاه‌مدت، می‌توان در یک معامله با مبلغ زیاد، سر کسی را کلاه گذاشت و خیلی پول‌دار شد؛ اما بعد از آن دیگر، معامله دومی نمی‌توان انجام داد. اعتقاد من در زندگی این است که اگر اخلاقیات را رعایت و مردم‌داری کنم، در طولانی‌مدت، بیشترین نفع اقتصادی را هم می‌برم و می‌توانم بیشترین رفاه را برای خود و خانواده‌ام فراهم کنم. بنابراین از نظر من رعایت اخلاقیات، نه صرفاً به انگیزه‌های وجدانی و معنوی، بلکه به دلیل حداکثرسازی سود مادی در طولانی‌مدت، توجیه دارد.

این همان حرف آدام اسمیت است که می‌گوید شما زمانی می‌توانید سودتان را در درازمدت حداکثر کنید که مشتری شما، یعنی مردم، از رفتار و نتیجه کار و کوشش شما راضی باشند. اصلاً اساس نظریه اقتصادی «دست پنهان» آدام اسمیت در مورد بازار آزاد همین است که می‌گوید پیگیری نفع شخصی توسط انسان خودخواه و مادی، منجر به نفع جمعی می‌شود.

من فکر می‌کنم چون شما یکسری اصول اخلاقی را مدنظر دارید، این مسئله بر تفسیر شما از اقتصاد آزاد هم اثر می‌گذارد. مگر بحران زیست محیطی امروز به‌خاطر حداکثر کردن سود نیست؟

اقتصاد آزاد ادعا نمی‌کند که بی‌عیب و نقص است. بلکه اقتصاد آزاد نسبت به هر بدیل دیگری، عیبش کمتر است. یک فیلم مستند در پایگاه اینترنتی اِکو ایران وابسته به رسانه دنیای اقتصاد هست، راجع به آدام اسمیت، که امروزه از او به عنوان پدر علم اقتصاد یاد می‌شود. در این فیلم شرح داده شده که آدام اسمیت، استاد فلسفه اخلاق بود. اصلاً در ابتدا دغدغه و سررشته‌های از اقتصاد نداشت. سؤالی که ذهن وی را به خود مشغول کرده بود این بود که چه نظام اجتماعی می‌تواند باعث ریشه دواندن و تقویت اخلاق در بین افراد و جامعه شود. این موضوع، آدام اسمیت را به سمت اقتصاد آزاد، آزادی مبادله و تجارت و عدم دخالت دولت‌ها در تصمیمات اقتصادی افراد جامعه سوق داد. او متوجه شد چنانچه مردم را آزاد بگذاریم که به دنبال حداکثرسازی سود خودشان بروند، حداکثرسازی سود آنها، در غالب مواقع، وقتی حاصل می‌شود که مشتری محصولی که افراد مشغول تولید آن هستند، راضی‌تر باشد. حداکثرسازی سود اقتصادی هر فرد، با رضایت بیشتر مشتری محصول یا خدمات وی پیوند می‌خورد و افزایش این رضایت در یک جامعه بشری به معنی این است که رفاه، مطلوبیت و اخلاق به سمت بیشینه شدن پیش می‌رود.

ادعایی که من به آن باور دارم این است که سیستم اقتصاد آزاد و دموکراسی ضرر از بقیه سیستم‌های حکومت‌داری و اداره جوامع بشری به مراتب کمتر است. هیچ‌کس ادعا نمی‌کند که درون سیستم اقتصاد آزاد و دموکراسی، اتفاقات بد هیچ‌گاه اتفاق نمی‌افتد و بی‌عیب و نقص است. **شما خیلی از پاک و منزه بودن و اخلاق‌مداری در اقتصاد صحبت می‌کنید. آیا تمام برداشتهای از اقتصاد آزاد شامل این موضوع است؟**

به کرات در تجربه زندگی شخصی‌ام مصداق‌های این شعار را که «صداقت و درستی، بزرگ‌ترین رندی است» به چشم دیده‌ام. احترام و اعتبار بین مردم، می‌تواند تبدیل به نفع مادی بشود. باور من این است که صداقت، درستی

پسته کشور و رسیدن به هدف سربلندی ایران از مسیر اقتصاد بازار آزاد می‌گذرد، در هر قسمتی از تصمیمات انجمن هم که نقش داشته باشم، مصمم‌تر می‌شوم که روی این مسیر پافشاری کنم.

پس خیلی به خروجی این پافشاری‌ها و اینکه با سر دادن فریاد آزادی اقتصاد از سوی انجمن عملاً اتفاقی در کشور بیافتد خوش‌بین نیستید؟

اصلاً انتظاری ندارم که این حرف‌ها سریع به نتیجه برسد و جواب بدهد. ولی همیشه فکر می‌کنم انجمن باید سیاستی را در پیش بگیرد که همسو با قوانین علمی و اصول اخلاقی باشد؛ حتی اگر احساس کنم ممکن است قرار گرفتن در مسیر دیگری موقتاً عواید بیشتری را حاصل کند.

همان‌طور که قبلاً گفتم، حتی بخش خصوصی هم در ایران، رانتی است. اگر ما هم در انجمن، تلاشمان را به جای پافشاری روی اقتصاد آزاد، روی کسب رانت متمرکز کنیم، احتمالاً منافع کوتاه‌مدت بیشتری برایمان حاصل می‌شود، اما این راه درستی نیست. احتمالاً هر یک از ما، در کسب و کار روزانه شخصی‌مان، به دنبال موقعیت‌های رانتی می‌رویم؛ ولی فکر می‌کنم اگر یک انجمن با هدف تقویت منافع ملی ایران و صنعت پسته دنیا تأسیس کردیم، بهتر است اینجا جایی کاملاً پاک و منزه باشد. متأسفانه، معیار موفقیت در بخش خصوصی ایران این است که چه کسی در گرفتن رانت موفق‌تر است. اگر در انجمن هم این کار را بکنیم و برای جذب رانت تلاش کنیم، شخصاً دیگر دلیلی نمی‌بینم که در چنین انجمنی وقت بگذارم. این من را قانع نمی‌کند که ما در انجمن پسته دنبال کسب سود و منفعت رانتی و فوری برای اعضایمان برویم. بنابراین، معتقدم همه تصمیمات و اقدامات انجمن را باید باید با سه سنگ معیار سنجید: اول پیشرفت دنیا، دوم پیشرفت ایران و سوم پیشرفت صنعت پسته.

به نظر می‌رسد شما از نظر اخلاق کاری خیلی پایبند هستید. ارتباط بین اقتصاد آزاد و اخلاقیات چیست؟



شرایط حاضر باشم دلار شما را ۲۰ درصد بالای نرخ بازار (نرخ‌ی که اغلب معامله گران دیگر بازار در آن مشغول مبادله‌اند) بخرم، چون می‌خواهم جانم را نجات بدهم. در علم اقتصاد قدیم، عده‌ای به دنبال این بودند که محاسبه کنند نرخ واقعی یا حقه یا ذاتی هر کالا چند است! در این خلال و برخلاف نیت مبدعان آن، آنچه شهید می‌شد، احترام به نیازها و تمایلات شخصی افراد جامعه بود. اما علم اقتصاد مدرن می‌گوید، قیمت دلار محاسباتی نیست، بلکه برآیندی است از جمع میلیون‌ها مورد متفاوت از عرضه و تقاضای دلار در بازار که متضمن افزایش مطلوبیت تمام خریداران و فروشندگان نیز هست. متأسفانه، این واقعیت علمی را هنوز اغلب دولت‌مردان ما نفهمیده‌اند و دائماً به دنبال محاسبه و کشف قیمت دلار یا قیمت‌گذاری روی هر کالا یا خدمات دیگری در کشور هستند. نمی‌فهمند که تعیین دستوری قیمت در اقتصاد، قطعاً منجر به کاهش مجموع مطلوبیت برای افراد جامعه و اسراف خواهد شد. فردگرا بودن اقتصاد آزاد، به جهت همسو شدن آن با تلاش پاک انسان‌ها در راستای تأمین نیازهای مادی زندگی خود است. اما بحث انجمن، خود بحثی مفصل و در بطن اقتصاد آزاد است. من فکر می‌کنم دو انگیزه برای تشکیل انجمن بوده است. یکی اینکه عده‌ای احساس می‌کردند از گذشته تا امروز از این صنعت منفعت برده‌اند و باید زکات آن را بدهند؛ زکاتش هم این بوده که باعث پیشرفت بقیه در این صنعت و کشور بشوند. این یک حس اجتماعی است. مثل اینکه آقای بیل گیتس، خالق و صاحب شرکت نرم افزاری مایکروسافت، بعد از اینکه پول‌دار شد گفت من می‌خواهم برای مردم دنیا کار خیر بکنم. انگیزه دوم، پیگیری

اقتصاد بازار آزاد عمدتاً بر نفی مداخلات دولت تأکید دارد؟

گرایشی که من قرابت فکری بیشتری با آنها دارم، لیبرتاریسم (Libertarian) نام دارند. اینها برای نقش دولت در اقتصاد، حداقل مداخله را قائل هستند و می‌گویند دولت تنها چند وظیفه محدود و خاص دارد: ایجاد امنیت، اعمال قانون، تضمین حقوق مالکیت خصوصی، دفاع از افراد و شرکت‌ها در مقابل تقلب، دزدی و خشونت، عرضه تعداد معدودی کالا و خدمات عمومی نظیر آموزش و سلامت همگانی. حد اعلا‌ی آزادی اقتصادی وقتی حاصل می‌شود که دولت در اقتصاد حداقل مداخله را داشته باشد. در میحث عدالت نیز معتقد به ایجاد زمینه و فرصت موفقیت برابر برای افراد جامعه هستند و نه ایجاد برابری از طریق بازتوزیع ثروت.

اقتصاد آزاد فردگرا است، اما در انجمن منافع جمعی و تلاش برای افزایش خیر جمعی مدنظر است. به نظر تان فردگرایی اقتصاد آزاد و کارکرد سوسیالیستی انجمن با هم منافاتی ندارند؟

یکی از کشفیات جدیدتر در علم اقتصاد این بود که یک معامله وقتی صورت می‌گیرد که هر دو طرف معامله بعد از انجام آن احساس مطلوبیت بیشتری نسبت به قبل از معامله کنند. یعنی فروشنده کالا یا خدمات تصور کند ارزش پولی که در ازای فروش محصول خود دریافت می‌کند از ارزش نگهداری آن کالا نزد خود بیشتر است و بالعکس خریدار تصور کند که مطلوبیت کالایی که وی دریافت می‌کند از قیمتی که به ازای خرید آن می‌پردازد، بیشتر است. بنابراین، قیمت یک کالا یا خدمات معامله شده، یک واقعیت ذاتی درون آن کالا یا خدمات نیست، بلکه تابع حس مطلوبیت در طرفین معامله است. بنابراین، قیمت نه خاصیتی از کالای مورد معامله، بلکه تابعی از سلیقه، نیاز و موقعیت طرفین معامله و همواره متغیر است. مثلاً فرض کنید من خریدار دلار و شما فروشنده آن باشید. همچنین، فرض کنید من در موقعیتی قرار بگیرم که بیماری سختی داشته باشم و باید فوراً برای معالجه به خارج از کشور بروم و دسترسی سریع به صرافی ندارم. شاید من در این

در برخی موارد خاص که شاید کمتر از یک مورد در هزار مورد باشد، قضیه به سادگی و شسته‌رفتنی تئوری آدم اسمیت پیش نمی‌رود. به این موارد خاص، «شکست بازار» می‌گویند. بخش زیادی از وقت و تلاش اقتصاددانان صرف شناسایی، بررسی و چاره اندیشی در این موارد خاص می‌شود. یعنی مواردی که مکانیزم پیگیری نفع شخصی توسط بازیگران یک بازار، خودبه‌خود باعث صرفه‌جویی و یا حصول نفع جمعی نمی‌شود. تخریب محیط زیست و تراژدی منابع مشترک که اتفاقاً وضعیت منابع آب زیرزمینی باغات پسته ایران هم مصداقی از آن هست، مثال‌هایی از شکست بازار هستند.

در راستای چاره‌جویی برای موارد شکست بازار، دو گرایش وجود دارد. در گرایش اصلی و غالب علم اقتصاد، اقتصاددانان می‌گویند این موارد نادر است و به غالب اقتصاد آزاد قابل تعمیم نیست. اگر موارد خاص و مذمومی رخ می‌دهد، این سوال مطرح می‌شود که چطور می‌توان قواعد و قوانین بازار آزاد را در این موارد خاص طوری اصلاح نمود تا هدف غایی علم اقتصاد که همانا بیشینه شدن صرفه‌جویی و تخصیص بهینه منابع هست، آن هم مجدداً از طریق مکانیزم بازار، تأمین شود؟

اما در گرایش دیگر، عبارت شکست بازار را به کل اقتصاد آزاد تعمیم داده و درصدد تغییر کل نظام بازار برمی‌آیند که به نظر من یک فاجعه است. مثلاً در نظام اقتصادی ایران که هیچ جای آن شباهتی به اقتصاد بازار آزاد ندارد، یکسری از اقتصاددان‌های سطحی، این عبارت شکست بازار را پیراهن عثمان کرده و کل نظام اقتصاد آزاد را زیر سوال می‌برند. حال آنکه در تمامی ممالک توسعه یافته، در ۹۹٫۹ درصد بازارها، اقتصاد آزاد دارد کارکرد خود را به نحو احسن نشان می‌دهد و شاید تنها در ۰٫۱ درصد موارد پدیده شکست بازار اتفاق می‌افتد. خلاصه آنکه، برخلاف آنچه اغلب مردم و حتی برخی اقتصاددانان وطنی تصور می‌کنند، باید توجه داشت که موارد شکست بازار آنقدر نادر هستند که به هیچ وجه اصل اقتصاد آزاد را زیر سؤال نمی‌برند.

دنبال این بوده که با حمایت مالی اعضای خود، اعتبار و آبروی بیشتری در بین فعالان صنعت پسته کشور و مجامع بین‌المللی کسب کند. اما اینکه چقدر در این راستا موفق بوده و یا نبوده، بحث دیگری است.

من عمدتاً قدرت مالی و سیاسی برای شخص مدنظرم است، نه برای انجمن!

اگر یک موقعیت رانتی برای انجمن ایجاد شود، بعضی از افراد خاص در انجمن هم به تبع آن می‌توانند از این موقعیت، نفع اقتصادی ببرند. همین الان در بعضی از تشکل‌های بخش خصوصی دارد این اتفاق می‌افتد. شاید برخی بگویند ما اشتباه کردیم که دنبال این کارها نرفتم و ما هم می‌بایست مثل بقیه برویم دنبال این امتیازات. من اعتقاد بر این نبوده و همیشه سعی کردم به وسع و توان خودم، انجمن را از این مسیر برحذر دارم.

چه اشکالی دارد پول قانونی و زیادی وارد انجمن شود؟

باز در این مورد هم، عده‌ای از اعضای انجمن که بنده در این ارتباط نظرشان را جویا شدم ملاحظاتی دارند. آنها اعتقادشان بر این است که اگر پول‌های بی‌حساب و کتاب و بدون بازخواست وارد انجمن شود، این خودش می‌تواند باعث تنبلی و کاهلی شود. پس، یک اعتقاد بر این است که اگر کسی خواست به شما پول مفت بدهد، شما نگیرید! این حرف را در مراوداتی که با بعضی‌ها داشتم شنیدم که دنبال پول مفت و بی‌حساب و کتاب نروید؛ تلاش کنید از طریق ترغیب اعضا یا ارائه خدمات درآمد کسب کنید و اگر کمکی می‌شود یک پاسخگویی سفت و سخت به کسی که دارد پول می‌دهد داشته باشید.

فکر می‌کنید ساختار فعلی انجمن مطلوب است؟

من فکر می‌کنم ساختاری که برای انجمن با تعداد زیاد عضو پیوسته تعریف شد، ساختار واقع بینانه‌ای برای شروع کار انجمن نبوده و منطبق با شرایط ایران و صنعت پسته کشور هم نیست. این موضوع در تمام این سال‌ها از بدو تأسیس انجمن تاکنون مرتب حس

داوطلبانه



نفع شخصی شرکت خودشان توجیه داشتند که با عده دیگری دور هم جمع شوند. البته فرقی هم نداشت که در چه ساختاری باشد، می‌توانست در انجمن یا یک گروه دیگری انجام شود.

به نظر نمی‌رسد کرسی‌های هیئت مدیره و هیئت امنای انجمن کرسی سیاسی و مالی باشند. حتی کسانی که عضو این دو می‌شوند باید فکر و پول و وقت بگذارند. با این وجود به نظر شما چرا رقابت در انتخابات انجمن اینقدر شدید است؟

رقابت در انتخابات انجمن بیشتر از آنکه بر سر تصاحب قدرت باشد، بر سر دیدگاه است. فکر می‌کنم در بین مؤسسين انجمن و فعالان صنعت پسته هم دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به رسالت انجمن و شیوه کار انجمن وجود دارد. منکر رقابت بر سر کرسی و وجود نیات مادی در بین کاندیداهای ارکان مدیریتی انجمن نیستیم، ولی اصلاً این انگیزه‌ها را، به اندازه رقابت بر سر به کرسی نشانیدن دیدگاه‌های متفاوت، بزرگ نمی‌بینم.

انجمن تاکنون به دنبال کسب موقعیت‌های رانتی نبوده‌است، ولی به کرات این پیشنهاد مطرح شده که اگر انجمن متصدی صدور بعضی مجوزها و یا وارد برخی فعالیت‌های اقتصادی شود، می‌تواند قدرت مالی خیلی بیشتری پیدا کند. بنابراین، انجمن این پتانسیل را دارد که جهت کسب قدرت سیاسی و مالی از آن بهره‌برداری شود. اما خوشبختانه انجمن از بدو تأسیس تاکنون همیشه

نفع جمعی است. پیگیری نفع جمعی در حالت‌هایی که با پیگیری نفع فردی در تضاد نباشد، در اقتصاد آزاد مانعی برایش وجود ندارد و این موضوع دلیلی بر سوسیالیستی بودن ماهیت کارهایی که خیر جمعی را به دنبال دارند نیست. در واقع، همان کشش حداکثرسازی نفع فردی باعث می‌شود بروید برای بعضی کارهایی که نمی‌توانید شخصاً به ثمر برسانید، با کمک یک جمع بزرگ‌تر کارتان را انجام دهید و باعث بیشتر شدن سودتان بشوید. این انگیزه‌ها، هیچ‌یک منافاتی با آزادی اقتصادی و فردگرا بودن آن ندارد. اتفاقاً در اقتصادهای آزاد دنیا، نهادهای خیریه و غیرانتفاعی برخاسته از بخش خصوصی که با انگیزه‌های مذکور تشکیل شده و مشغول فعالیت می‌باشند، به مراتب بیشتر، قوی‌تر و سالم‌تر از نهادهای مشابه و دولتی در اقتصادهای بسته عمل می‌کنند.

مثالی از این خیر جمعی در انجمن دارید؟

اصلاً نطفه تشکیل انجمن از یک کار جمعی برای رفع معضل ممنوعیت صادرات پسته به اتحادیه اروپا به واسطه آلودگی افلاتوکسین شکل گرفت. هیچ‌کدام از تجار و باغداران ایرانی به تنهایی حریف نبودند که این کار را انجام بدهند. اما عده‌ای دور هم جمع شدند، وقت گذاشتند، پول گذاشتند، فکر گذاشتند و موفق شدند علاوه بر رفع ممنوعیت، حد مجاز افلاتوکسین برای پسته‌های ورودی به اتحادیه اروپا را آسان‌تر کنند. بنابراین، این افراد برای



می‌شود. مسائل و مشکلات بخش عضویت، من را به این سمت سوق داده که فکر کنم به جای اینکه انجمن را بر پایه تعداد زیاد عضو طراحی کنیم، آن را بر اساس عضویت کسانی تعریف کنیم که به یکی از دو نیتی که قبلاً گفتم اعتقاد دارند؛ یعنی یا معتقد به همکاری بدون چشم داشت شخصی در انجمن در راستای تأمین نفع جمعی صنعت پسته هستند و یا معتقد به تأمین منافع شخصی از طریق کار گروهی در انجمن. به نظر من این ساختار، ساختار معقول‌تر و با دوام‌تری برای انجمن می‌تواند باشد. البته می‌دانم این ایده با نقدهایی حتی در بین اعضای فعلی هیئت مدیره و هیئت امنای مواجه است و من بعضی از این نقدها را وارد می‌دانم و قبول دارم. به همین دلیل تا به امروز چنین ساختاری پیاده نشده‌است، ولی به هر حال در ذهن من خیلی قوی است. در مجموع، یک چنین سیستمی برای تعریف ساختار و تأمین منابع مالی انجمن خیلی می‌تواند کارکرد داشته باشد. چون در جامعه ایران، کار جمعی خیلی بنیه قوی ندارد و همچنین در صنعت پسته ما خیلی اعتقاد و اعتمادی به کار جمعی نیست. بنابراین، یک گروه عضو محدودتر، اما با اعتقاد محکم‌تر نسبت به رسالت جمعی انجمن می‌تواند قوی‌تر عمل بکند. آیا این کار باعث نمی‌شود فعالیت‌های انجمن در جهت منافع اشخاص معدودی پیش برود؟ برای جلوگیری از این اتفاق، یک مرامنامه تدوین شد تا خطوط قرمز کار انجمن و توقعات کسانی که به انجمن کمک می‌کنند، مشخص شود. مطابق این پیشنهاد، همه افعال انجمن باید در راستای منافع ملی، خیر جمعی صنعت پسته ایران، منافع اعضای انجمن، مبنای اقتصاد آزاد و پایداری به اصول اخلاقی باشد. این مرامنامه در بیست و یک بند تنظیم و در اسفند ۹۷ به جلسه هیئت امنای پیشنهاد شد. به نظر نمی‌رسد این مرامنامه ضمانت اجرایی داشته باشد؛

این طور نیست؟

یک پیشنهاد این بود که این مرامنامه به عنوان یک بند در اساسنامه گنجانده شود. یعنی جلسه مجمع فوق العاده برگزار شود و مرامنامه به اساسنامه اضافه گردد. در حال حاضر ما مرامنامه را به هیئت امنای ارائه کردیم و تصویب آن موقوف به بررسی بیشتر شد. اگر این بند وارد اساسنامه شود، به محض اینکه کسی، چه در داخل و چه از خارج انجمن، تصور کرد که یک یا چند بند از مرامنامه زیر پا گذاشته شده، موضوع باید توسط ارکان سازمانی انجمن بررسی شده و چنانچه مرامنامه نقض شده باشد، اقدامات اصلاحی انجام شود.

اقدام اصلاحی می‌تواند برخورد مالی با شخص خاطی باشد؟

هنوز مکانیزمی برای آن تعریف نشده‌است. من راهکارهایی مثل اینکه فوری سلب عضویت کنیم را خیلی عملی نمی‌دانم. اگر هم بخواهیم خیلی سخت‌گیرانه با این قضایا برخورد کنیم شاید بیشتر از ۴، ۵ نفر عضو برای انجمن باقی نماند. در جامعه‌ای که این مسائل مهجور است، کم‌کم باید ظرفیت این حرف‌ها را افزایش داد. اگر راه حل دیگری به ذهن کسی می‌رسد می‌تواند ارائه دهد. اکثر ادارات دولتی یک منشور اخلاقی بلندبالایی دارند که اجرا هم نمی‌شود. آیا راه حل‌های اقتصادی که مشوق یا بازدارنده باشند کارکرد ندارند؟

قوانین باید طوری تنظیم شوند تا مجرای پیگیری انگیزه‌های پاک اقتصادی، قانونی و باز باشد.

به نظر شما مهمترین رسالت انجمن چیست؟

به نظر من، مهمترین رسالت

انجمن اولاً جمع آوری و تولید اطلاعات و آمار درست و غیرمغرضانه از صنعت پسته ایران و جهان و در دسترس همگان قرار دادن این آمار و اطلاعات است و ثانیاً انجام فعالیت‌های ترویجی برای ارتقاء صنعت پسته کشور.

بعضاً ما با دولت و تصمیم‌های دولت کلنجار می‌رویم و جلسه می‌گذاریم. این جزو وظایف انجمن‌ها نیست؟

من این مسئله را با توجه به شرایط سیاست و اقتصاد داخلی و توان محدود انجمن، از رسالت‌های اصلی انجمن نمی‌دانم. اگر انجمن بتواند نمایندگی صنعت پسته ایران در مجامع بین‌المللی و داخلی را هم به خوبی انجام دهد که چه بهتر، اما این کار را جزو وظایف اصلی انجمن نمی‌دانم. ارائه مشورت یا کلنجار رفتن با دولت هم جزو همین دسته کارها می‌آید.

ارائه اطلاعات شفاف و صحیح ارتباطی با اقتصاد آزاد ندارد، ظاهراً بیشتر مداخلات دولت باعث می‌شود که انجمن فریاد آزادی اقتصاد را داشته باشد.

در مرامنامه پیشنهادی آمده است که حرفی خلاف اصول اقتصاد آزاد نزنیم. این را نگفتیم که فقط حرف از اقتصاد آزاد بزنیم. اتفاقاً دسترسی عمومی به اطلاعات صحیح، یکی از بهترین کارها در جهت توسعه بازار آزاد است. اگر همه بازیگران بازار، اطلاعات شفاف و یکسان در اختیارشان باشد، بازار آزاد نقش خودش را در بهینه‌سازی تخصیص منابع و حصول خیر جمعی بهتر ایفا می‌کند.

تقویم زمستانه پسته

حسین رضایی تاج‌آبادی
کارشناس ارشد باغبانی

آن، صفحه ۲۷ و ویژه‌نامه آذرماه ۱۳۹۴ مقاله‌ای تحت عنوان «کمپوست حافظ منافع باغداران و طبیعت» و صفحه ۱۵ ماهنامه دی ماه ۱۳۹۷ مقاله‌ای تحت عنوان «ضرورت استفاده و نحوه پوساندن کودهای دامی» مراجعه فرمایید.

در فصل زمستان استفاده از زیرشکن برای باغاتی که عبور ماشین آلات کشاورزی (تراکتور) زیاد بوده و خاک متراکم است به صورت هر ساله توصیه می‌شود. انجام این عملیات باعث نمک‌شویی بهتر خاک شده و مشکلات نفوذپذیری را کاهش می‌دهد.

اواخر اسفندماه که هم‌زمان با مرحله تورم جوانه‌ها است، محلول‌پاشی باغ با عناصری که در گرده‌افشانی و عمل تلقیح تأثیر مستقیم و تعیین‌کننده‌ای دارند ضروری است. از بین عناصر غذایی، سه

را از عمق ۴۰ تا ۸۰ سانتی‌متری خاک جذب می‌کند، بنابراین حفر کانال کود به عمق حداقل ۶۰ سانتی‌متر لازم است. با توجه به ظرفیت تثبیت بالای خاک در بیشتر مناطق پسته کاری روش کوددهی در مدیریت تغذیه نقش بسزایی دارد. کانال حفر شده باید حداکثر تا نیمه اسفندماه با خاک پر شود. کود دامی هر چه پوسیده‌تر باشد با کیفیت‌تر است و کارایی بیشتری دارد. کودهای حیوانی تازه، علاوه بر آلوده بودن به یکسری باکتری‌های بیماری‌زا و بذر علف‌های هرز، در حین پوسیده شدن ازت خاک را جذب کرده و به عنوان رقیبی برای درخت عمل می‌کنند. برای اطلاع از نحوه پوساندن کود دامی می‌توانید به صفحه ۵۶ ویژه‌نامه آذرماه ۱۳۹۲ مقاله‌ای تحت عنوان «کمپوست و فواید

۱- مدیریت تغذیه درختان پسته
قبل از تغذیه، باغات پسته احتیاج به اصلاح خاک دارند. اصلاح خاک عموماً در فصل زمستان و بیشتر در خاک‌های شور و قلیا و سنگین انجام می‌شود. بهترین ماده اصلاح‌کننده در دسترس، سولفات کلسیم یا همان گچ کشاورزی است. گچ باید به‌طور یکنواخت بر سطح خاک ریخته شود و هرگز داخل کانال کودی که کودهای فسفوره در آن وجود دارد، داده نشود. گچ در صورت تماس با کودهای فسفاته نظیر سوپر فسفات تریپل آن را تبدیل به املاح کم‌محلول یا نامحلول می‌نماید. سعی شود گچی که در سطح خاک پاشیده شده ریبر شود و به دنبال آن آبیاری سنگین صورت گیرد. تقریباً، تمام خاک‌های مناطق پسته‌خیز آهکی هستند و مقدار آهک آنها از حدود ۵ درصد تا ۵۰ درصد متغیر است. همچنین، اسیدسولفوریک یکی از فوق‌ستاره‌های اصلاح‌کننده خاک و تولیدکننده ارزان کلسیم در آن است. فصل زمستان که ریشه‌های درخت خواب هستند، بهترین زمان برای تغذیه و اصلاح خاک است. تغذیه زمستانه شامل افزودن کودهای فسفوره و پتاسه، ریزمغذی‌ها در فرم سولفات و استفاده از کودهای دامی است. به دلیل تحرک کم کودهای پتاسیمی و فسفوره و همچنین سولفات‌های عناصر کم‌مصرف، دادن این عناصر در عمقی که حداکثر ریشه‌های فعال وجود دارند توصیه می‌شود. درخت پسته بیش از ۷۰ درصد آب و غذای مورد نیاز خود



معمولاً در هرس باردهی، هرس سربرداری، تُنک شاخه و جوانسازی در شرایط فعلی خصوصاً بر روی ارقام فندقی، کله قوچی بیشتر انجام می‌شود. جهت محدود نگاه‌داشتن اندازه درخت، انجام هرس سربرداری الزامی است. عملیات هرس بایستی پس از ریزش برگ (خزان) انجام و قبل از متورم شدن جوانه‌ها به اتمام برسد. هرس زمستانه باعث ضعف کمتر و تقویت بیشتر جوانه‌های باقیمانده درخت می‌گردد، در صورتی که هرس تابستانه اغلب در مورد درختان جوان پسته شامل حذف پاجوش‌ها است.

۴- نیاز سرمایی

پسته همانند سایر درختان میوه خزان‌کننده، جهت توسعه و تکمیل رشد جوانه‌ها احتیاج به حداقل سرمای معینی بین ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ ساعت با دمای بین صفر تا ۷ درجه سانتی‌گراد در طول دوره خواب زمستانی دارد. میزان نیاز سرمایی در ارقام مختلف پسته متفاوت است. با بررسی آمار هواشناسی در دوره رکود گیاه، چنانچه در بعضی مناطق و برای بعضی ارقام نیاز سرمایی رقم مورد نظر تأمین نشده باشد، بایستی چهل روز قبل از سبز شدن درختان از نیمه دوم بهمن به بعد، نسبت به استفاده از ترکیبات برطرف کننده رکود درخت نظیر روغن‌های امولسیون شونده (بعد از آنالیز روغن در آزمایشگاه و اطمینان از کیفیت روغن) یا سایر ترکیبات قابل توصیه که می‌توانند تا حدی نیاز سرمایی را برطرف نمایند، اقدام نمود. متعاقباً اطلاع رسانی در این باره از طریق کانال‌های انجمن انجام خواهد شد.

۵- کاشت نهال

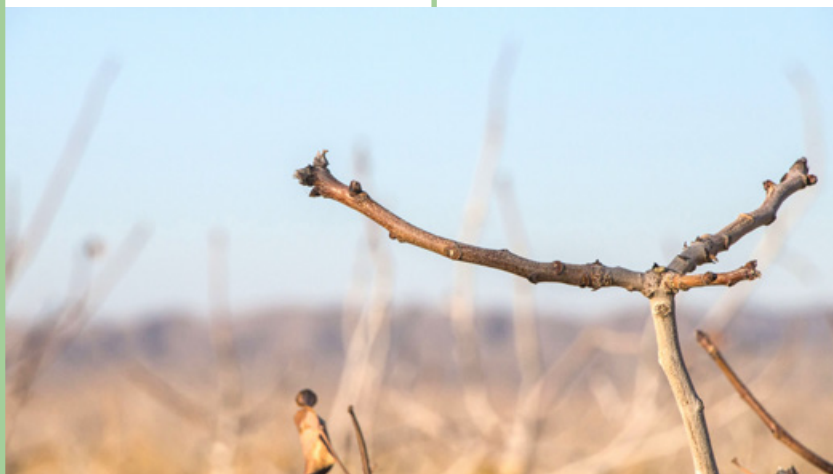
متداول‌ترین شیوه تکثیر پسته، تولید نهال و انتقال نهال به زمین اصلی و سپس پیوند زدن آن است. بهترین زمان کاشت نهال به محض خزان نهال است، اما می‌توان نهال را تا آخر زمستان هم کاشت. نهال مناسب اساس یک عمر سرمایه‌گذاری است

رشد ناکافی شاخه‌ها، آفتاب سوختگی و چروکیدگی مغز گردد. سوختگی نوک و حاشیه برگ‌ها نیز از علائم افزایش جذب و تجمع شوری در بافت‌های گیاهی است. هر چه آب شورتر، کمتر و زمین رُسی‌تر باشد انجام آبیاری سنگین مهم‌تر می‌شود. در مناطقی که خیلی کم آب هستند، می‌توان در پاییز و زمستان فقط یک نوبت آبیاری انجام داد، ولی این آبیاری باید سنگین باشد. در آبیاری سنگین زمستانه حداقل دو برابر آبیاری معمول، آب به زمین داده می‌شود. آبیاری سنگین برای نمک‌شویی از آذر

عنصر روی، بور و ازت مهم‌تر هستند؛ فرمول پیشنهادی در این مورد شامل استفاده از: کلات روی ۲ کیلو در هزار + بور ۱،۵-۱ کیلو در هزار + اوره (۳-۵) کیلو در هزار است.

برای برداشت محصول خوب در پایان سال، باید زمانی اقدام به محلول‌پاشی این عناصر در اوایل سال کنیم که هنوز گرده افشانی و تشکیل گل و خوشه انجام نشده باشد.

متأسفانه اکثر باغداران از اوایل اردیبهشت که خوشه کامل شده است عملیات تغذیه را شروع می‌کنند.



تا بهمن ماه فقط یک یا حداکثر دو نوبت باید انجام شود. یخ‌آب زمستانه برای کاهش جمعیت بعضی از آفات که زمستان‌گذرانی آنها در خاک می‌باشد، موثر است. بنابراین، آبیاری کردن باغ‌های پسته در روزهای سرد زمستان که باعث یخ زدن آب در شب می‌شود، کاهش بعضی از آفات از جمله پروانه پوست‌خوار پسته (کراش) و کرم سفید ریشه را در پی دارد.

۳- هرس

هرس یکی از عملیات باغبانی است که همراه با سایر عملیات داشت از قبیل آبیاری، کوددهی و تغذیه، کنترل آفات و بیماری‌ها، تولید میوه بیشتر و بهتری را تأمین و تضمین می‌کند. هرس در درختان پسته با توجه به سن درخت به دو شکل کلی انجام می‌شود: الف- هرس فرم‌دهی؛ ب- هرس باردهی؛

تغذیه و محلول‌پاشی بعد از باز شدن و تشکیل خوشه، بیشتر بر محصول سال آینده تأثیر گذار است تا محصول سال جاری. البته این محلول‌پاشی‌ها بر روی پارامترهای آنس و پوکی مؤثر هستند.

۲- مدیریت آبیاری

غالباً آبیاری در دوره خواب گیاه (زمستان) جهت آیشویی خاک، قابل توصیه است. از آنجایی که اصولاً در این فصل عملیات کوددهی نیز در چالکود انجام می‌شود، جهت ایجاد شرایط مناسب جذب کود توسط گیاه در شروع فصل، انجام حداقل یک نوبت آبیاری پس از پر کردن چالکودها مفید است. در مناطق با آب و خاک شور که از شوری آب و خاک رنج می‌برند، افزایش شوری در ناحیه ریشه درختان ممکن است سبب

از جمع‌آوری و سوزاندن پسته در کاهش جمعیت زنبورهای مغزخوار نیز مؤثر است.

۷- مدیریت آفات

در این فصل لاروهای سوسک‌های سرشاخه‌خوار زیر پوست شاخه‌های ضعیف درختان پسته زمستان‌گذرانی می‌کنند. هرس و حذف شاخه‌های ضعیف شده در باغ‌های پسته باعث کاهش جمعیت این آفت خواهد شد. علاوه بر آن، تله‌گذاری با چوب‌های تازه هرس شده و پس از یک‌ماه جمع‌آوری و سوزاندن آنها و جایگزینی چوب‌های جدید در کاهش جمعیت آفت و جلوگیری از خسارت آن در سال آینده بسیار مؤثر است. در صورتی‌که در باغ خسارت زنبورهای مغزخوار وجود دارد، باید تمام پسته‌های روی درختان و روی زمین جمع‌آوری و معدوم شوند.

۸- آفات انباری

در انبارهای پسته‌ای که درجه حرارت انبار در این فصل بالا می‌رود احتمال خسارت آفات انباری به‌خصوص شب‌پره هندی وجود دارد. برای کنترل این آفت در این فصل باید به‌وسیله تهویه مناسب حتی‌الامکان درجه حرارت انبار را پایین نگه‌داشت و در صورتی‌که دمای انبار بوسیله تهویه زیر ۱۳ درجه سانتی‌گراد تنظیم شود این آفت قادر به رشد و خسارت نخواهد بود.



سانتی‌متر عمق و ۵۰ سانتی‌متر عرض داشته‌باشد. خاک کف‌گوده را با ترکیباتی نظیر کودهای دامی پوسیده یا کمپوست، ماسه بادی و مقداری کودهای ماکرو و میکرو بر اساس آزمون خاک مخلوط کنید و سپس نهال را بکارید.

۶- خاک‌ورزی

در فصل زمستان در نواحی که مشکلات نفوذپذیری خاک زیاد است و همچنین به علت عبور و مرور زیاد ماشین‌آلات کشاورزی خاک فشرده شده‌است، استفاده از زیرشکن توصیه می‌شود. شخم باغ‌های پسته در فصل زمستان باعث کاهش جمعیت مقدار زیادی از آفات از جمله پسیل (شیره خشک)، زنجبرک (شیره‌تر)، پروانه پوست‌خوار (کراش)، کرم سفید ریشه، هلیوتیس، برگ‌خوار (رائسو) و سرخرطومی می‌شود. برای کاهش جمعیت حشرات کامل زمستان‌گذران پسیل معمولی، شخم بین ردیف‌های درختان پسته توصیه می‌شود. در صورتی‌که در باغ خسارت زنبورهای مغزخوار پسته وجود دارد باید تمام پسته‌های روی درختان و روی زمین جمع‌آوری و معدوم گردد؛ در ضمن شخم باغ‌های پسته بعد

که باید در انتخاب آن دقت نمود. جهت کسب اطلاع بیشتر در این مورد به اولین موشن گرافی انجمن و یا متن آن در این شماره از ماهنامه مراجعه فرمایید. گوده مناسب برای کاشت نهال یا توکاری باید حداقل ۸۰



نگهداری از باغ‌ها در شرایط کم‌آبی و شوری

دیبرخانه انجمن پسته ایران

ادامه پیدا می‌کند، به طوری که در پایان تیرماه، برگ سبزی روی درخت وجود نخواهد داشت. آثار این شوری، افزایش درصد پسته‌های پوک و دهان بست و تشدید سرخشکیدگی است. همچنین، رنگ تنه درختان از سفید به رنگ‌های بنفش و کبود می‌گراید. نکته قابل توجه اینکه، علائم بیماری نماتد ریشه گرهی شباهت زیادی به خسارت حاصل از شوری دارد، لذا جهت اطمینان، ریشه‌ها را بررسی کرده و به کلینیک‌های گیاه پزشکی ارسال نمایید. در زمستان یکی از علائمی که می‌تواند راهنمای تشخیص شوری باشد، رنگ بنفش شاخه‌ها است. شوری باعث می‌شود رشد شاخه‌ها خیلی کم شوند و فاصله میان‌گره‌ها کاهش یابد. در شرایط شور، در آخر فصل، معمولاً تجمع املاحی مثل سدیم، کلسیم و بور به حدی از مسمومیت می‌رسد که برگ کاملاً خشک می‌شود و در شهریور ماه ریزش پیدا کرده و با آبیاری درخت مجدداً سبز می‌شود. این یکی از عوامل است که نشان می‌دهد درخت تحت تنش شوری بوده است.

بنابراین، تنش شوری را می‌توان از طریق واریسی علائم ظاهری تشخیص داد. با این حال، در آزمایشگاه کاملاً این موضوع قابل بررسی است. در مناطق شور، میزان سدیم در آزمایش‌های برگ از ۰,۱ به ۰,۳ و ۰,۳ درصد و حتی در جاهایی که مقدار آب خیلی کم شده است به ۰,۴ درصد رسیده است.

راه‌های پیشگیری از بروز تنش شوری

اولین کار برای اینکه بخواهید نمک‌شویی خوبی در زمستان انجام دهید این است که باید قبل از آبیاری زمین را شخم بزنید. اگر

آنها بالای ۴۵ روز است باید مدیریت شوری اعمال شود. مثلاً امکان دارد در شوری ۲ هزار اثرات حاشیه سوختگی ناشی از شوری در درختان مشاهده شود، ولی در شوری ۸ هزار اصلاً عوارض ناشی از آن وجود نداشته باشد، این موضوع به مسائل دیگری همچون حجم آب نیز بستگی دارد.

علائم شوری

علائم شوری که معمولاً در ۳ موقع از سال اتفاق می‌افتد را می‌توان تشخیص داد؛ زمان اول در ابتدای فصل رشد است، مخصوصاً سال‌هایی که در زمستان برف و باران باریده باشد. در این سال‌ها مشاهده می‌شود که اول فصل، در فروردین ماه، درختان کمی به حالت تورم می‌روند و یا مقداری سبز می‌شوند، اما درخت به اصطلاح اصلاً حرکت نمی‌کند و رشدش متوقف می‌شود. در این مرحله، چنانچه شاخه‌ای را بشکنیم و این شاخه بوی ترشیدگی و الکل بدهد، این عارضه ناشی از بروز شوری است. در این شرایط، سریعاً باید جهت برطرف کردن شوری اقدام کنیم. در انتهای همین مقاله اقدامات اضطراری در این موقعیت شرح داده شده است. بعضی اوقات در اول فصل، ممکن است درخت سبز هم بشود، اما شوک شوری ناشی از بارندگی در ماه فروردین، باعث خشک شدن خوشه‌ها، نوک و حاشیه برگ‌ها گردد.

علائم قابل مشاهده در طول فصل، تقریباً از اواسط فصل، از خرداد و تیرماه، شروع می‌شود. در این شرایط حاشیه برگ می‌سوزد و یک نوار یک میلی‌متری دورتادور برگ شروع به سوختن می‌کند و تا رسیدن به رگ‌برگ اصلی



موضوع مدیریت شوری در باغ‌های پسته بسیار مهم است و در حال حاضر به دلیل مشکل کمبود آب در بعضی از مناطق مسئله شوری در باغات بسیار دردسر ساز شده است. تعریف شوری به زبان ساده چیست؟ به میزان نمکی که در آب آبیاری وجود دارد شوری می‌گوییم. اگر با زبان ریاضی بخواهیم شوری را تعریف کنیم شوری یک کسر است که در صورت آن مقدار نمک و در مخرج آن مقدار آب قرار دارد. امکان دارد در بعضی از مناطق مقدار شوری آب بالا برود، مثلاً آب موتور پمپ شور شود، این موضوع مطمئناً شوری را بالا می‌برد. اما اگر در شرایط شوری آب، مقدار آب هم کم شود، مخرج کسر افزایش پیدا کرده و شوری فوق‌العاده بالا می‌رود. ما می‌توانیم بگوییم منظورمان از شوری اعداد بالای ۸ هزار است که باید در آنها مدیریت شوری اعمال شود. باغ‌هایی که هر ماه یکبار آب می‌خورند معمولاً خیلی مسئله‌ای از لحاظ مدیریت شوری ندارند، اما در مناطقی که دور آبی

و پایین می‌برد، ذخیره آبی خوبی هم زیر ریشه ایجاد می‌کند که در فصل گرم سال می‌تواند نیاز درخت را تأمین کند. مشاهده شده‌است در مناطقی که در زمستان آبخوبی را حذف می‌کنند، در طول فصل رشد درختان شاداب نیستند و حتی در ماه‌های گرم تیر و مرداد درختان خیلی سریع تشنه و برگ درختان حاشیه سوخته می‌شود.

اثر تغییر شکل کرت‌ها در مدیریت شوری

کار دیگری که می‌تواند به ما کمک بکند تغییر شکل جوی‌ها است. معمولاً سطح کرت‌ها صاف است، اما در بعضی از باغ‌ها یک مرز پای درختان گذاشته شده‌است که این مرز یا پشته عامل تجمع شوری است. معمولاً در گذشته این مرزها را برای مدیریت گموز گذاشته شده‌اند. ولی الان آب‌ها کم و شور شده‌اند و چنانچه این شرایط حاکم باشد اصلاً نباید نگران این بیماری قارچی باشیم.

اخیراً در این مورد ما با دو مسئله برخورد کرده‌ایم. و آن اینکه باغدار نمی‌تواند آبیاری سنگین زمستانه را انجام بدهد، چون شرکت‌های آب منطقه‌ای برنامه یک ماه یا ۴۵ روز خاموشی در بعضی مناطق پسته کاری را اجرایی کرده‌اند. این خاموشی‌ها باعث می‌شود ۵۰ روز از آن ۱۵۰ روز فرصتی که داشت از دست برود و به این ترتیب کلاً در حدود ۳ ماه زمان در اختیار داشته باشد. این سیاست‌های دولتی باعث می‌شود که در بعضی از مناطق به دلیل نقص فنی و خرابی چاه‌ها، مدت خاموشی از ۴۵ روز هم بیشتر شود و این مکافات است! این شوری‌ها و عدم آبخوبی می‌تواند درختان ما را به‌راحتی از پا دریاورد. وقتی آب شور باشد، نیاز آبی درخت بیشتر می‌شود و علاوه بر آبی که صرف تبخیر و تعرق می‌گردد، باید حداقل یک آب اضافه هم داده شود که شوری‌ها را از پروفیل خاک خارج کند. آبیاری سنگین علاوه بر اینکه شوری‌ها را از ناحیه توسعه ریشه خارج می‌کند

می‌خواهید پستی و بلندی ایجاد نشود، هیچ وسیله‌ای بهتر از ریپر نیست؛ ریپرهایی که تا عمق ۳۰ سانتی‌متری خاک را می‌بُرند. براساس نتایج طرح‌های تحقیقاتی انجام شده، بعد از آبخوبی، شوری زمین شخم خورده ۵۰ درصد نسبت به زمین شخم نخورده کاهش می‌یابد. شخم‌زدن خاک قبل از آبخوبی، مخصوصاً برای مناطقی که حجم آب کم است، خیلی موثر واقع می‌شود.

معمولاً ما از آبان تا بهمن و یا اسفند برای انجام آبیاری سنگین زمستانه فرصت داریم. پس می‌توان گفت موارد مهم در مدیریت شوری، شخم زمستانه و سپس آبیاری سنگین است. چگونه آبیاری سنگین اعمال کنیم؟

می‌توان گفت ما تنها ۱۵۰ روز در زمستان وقت داریم که بتوانیم یک نوبت و یا دو نوبت آبیاری سنگین انجام دهیم. باغداران معمولاً باغ‌هایشان را بر اساس میزان آب در دسترس احداث کرده‌اند و نسبت آب زمستان و تابستان را یکسان در نظر می‌گیرند. ما می‌گوییم باید این برنامه آبیاری را عوض کنند! در تابستان یعنی از اواخر اسفند تا اوایل شهریور، باید دوره آبی کوتاه و نزدیک به هم باشد و آب سبک بدهند. قطعاً با این آب سبک، ضریب آبخوبی اعمال نمی‌شود و در خاک مقداری نمک جمع می‌شود. این نمک‌ها را باید با یک الی دو نوبت آب سنگین در زمستان آبخوبی نماییم. بنابراین، باغدار باید برنامه آبیاری باغش را این‌گونه تنظیم کند که مثلاً اگر در تابستان با ۱۲ ساعت آب، ۴۰۰ قصب زمین را آب می‌داده، در زمستان بهتر است این ۱۲ ساعت را در ۲۰۰ قصب زمین اعمال کند. با این کار، کسر آبخوبی را اعمال کرده و آبیاری سنگین اعمال می‌شود.



که ما سالیان زیادی است که داریم از آن استفاده می‌کنیم. گچ کاربردهای زیادی را در خاک دارد؛ نقش‌های مهم گچ، کاهش شوری، کاهش نسبت جذب سدیم (SAR)، افزایش نسبت کلسیم به منیزیم است و در دراز مدت می‌تواند روی کاهش اسیدیته (pH) هم تأثیرگذار باشد.

امروزه آب‌ها خیلی تلخ شده‌اند که به دلیل افزایش منیزیم است. گچ می‌تواند خسارت منیزیم را کاهش دهد. باغ‌هایی که خاک شور است یا درختان با آب شور آبیاری می‌شوند، وقتی گچ اضافه می‌شود، پژمردگی دائم درختان دیرتر اتفاق می‌افتد؛ یعنی درخت دیرتر تشنه می‌شود.

اما چگونه گچ بدهیم؟ بر خلاف ماسه بادی که باید در سطح خاک ریخته شود و آن را بهم نمی‌زنیم، گچ باید دو طرف ریخته شود و حتماً با ریپر حداقل تا عمق ۳۰ سانتی‌متری پایین برود و در منطقه توسعه ریشه قرار بگیرد.

همچنین، این سوال مطرح است که چقدر گچ بدهیم؟ نیاز گچی را معمولاً آزمایشگاه‌های خاکشناسی از طریق محاسبه، مشخص می‌کنند. اما نباید زیاد به دنبال یافتن فرمول دقیق و رسیدن به یک عدد ثابت باشیم، بلکه باید تعیین نیاز گچی بستگی به مشکلات موجود دارد. هدف استفاده از گچ به کیفیت منبع آبی و به مشکلات خاک باغ بستگی دارد و بسته به هدف می‌توان مقدار گچ مورد نیاز را تعیین نمود. مشکل اصلی در آب‌های بعضی مناطق مسئله تلخی آب و فاکتور منیزیم است. معمولاً در بیشتر مناطقی که با تلخی آب مواجه هستیم و یا شاخص خطر منیزیم بیشتر از ۵۰ است باید از گچ استفاده شود. شاخص خطر منیزیم از تقسیم کردن مقدار منیزیم به مجموعه مقدار منیزیم و کلسیم و ضرب کردن آن در عدد ۱۰۰ حاصل می‌شود.



خورشید به سطح خاک باعث می‌شود آب از اعماق به سطح خاک بیاید و تبخیر شود. اگر درصد رس خاک بالا باشد، ترک‌های خاک باعث تبخیر آب و تلفات آن بیشتر می‌گردد. با اضافه کردن ماسه بادی که بافت درشت‌تری نسبت به سایر اجزای خاک مثل رس و سیلت دارد، آب به راحتی به لایه‌های زیرین خاک نفوذ می‌کند و سطح خاک خشک می‌شود. همچنین، وجود ماسه روی سطح خاک باعث می‌شود نیروی کاپیلاری یا موئینگی، آب را به سطح خاک نیاورد. اگر آب به سطح خاک نیاید، شوری را نیز به سطح خاک منتقل نمی‌کند. فقط در این مورد باید چند نکته را رعایت کرد؛ ماسه‌ای که می‌ریزیم روی سطح باشد و بهم نخورد و باغداران با شخم زدن آن را زیر خاک نکنند، بلکه ما به این ماسه به عنوان یک مالچ نیاز داریم؛ ماسه حتماً باید شیرین باشد و چنانچه شوری آن بیش از ۶ هزار باشد، خود ماسه می‌تواند عامل بروز تنش شوری شود. ماده اصلاحی دیگر، گچ کشاورزی است

مخصوصاً جاهایی که شوری بالای ۱۰ هزار است، به هیچ عنوان قارچ مولد بیماری گموز نمی‌تواند فعالیت کند. در چنین باغ‌هایی باید شکل کرت را بصورت «V» در بیاوریم تا بیشترین آب پای تنه جمع شود. حساس‌ترین جای درخت طوقه درخت است، یعنی جایی که ریشه به تنه متصل شده است، اگر این ناحیه تحت فشار شوری باشد می‌تواند خیلی صدمه جدی بزند و درختان سرخشکیدگی شدید بگیرند. هرچه ارتفاع آب پای تنه بالاتر باشد، شوری به اطراف منتقل می‌شود و درخت از شوری صدمه نمی‌بیند.

اصلاح‌کننده‌های شوری

ماسه بادی یکی از فراوان‌ترین و ارزان‌ترین اصلاح‌کننده‌ها است و در مدیریت آبیاری نیز خیلی به ما کمک می‌کند. وقتی آبیاری انجام می‌شود مقداری آب به سمت پایین می‌رود اما بعد از قطع آبیاری، تابش

مقاله‌ای تحت عنوان «کاربرد اسید سولفوریک در باغات پسته با هدف اصلاح شرایط pH خاک» آورده شده است.

هنگام استفاده از اسید توجه داشته باشید که رعایت مسائل ایمنی بسیار مهم است. به هیچ عنوان نباید آب را روی اسید بریزیم، چون باعث بروز آسیب می‌شود.

انتخاب ارقام مقاوم در مقابل شوری

در بین ۴ رقم تجاری اکبری، فندقسی، کله قوچی و احمد آقایی، رقم کله قوچی حساس‌ترین رقم و اکبری مقاوم‌ترین رقم است. اکبری نسبت به شوری تحمل بسیار خوبی دارد و حتی در شوری‌های بالای ۱۰ هزار رقم اکبری محصول اقتصادی تولید می‌کند. در مناطقی که با شوری مواجه هستیم رقم اکبری اولین گزینه و سپس احمد آقایی است که مقاومت متوسطی دارد. اگر در مناطق پسته کاری با آب و خاک شور سر و کار داریم و نتیجه گرفتیم که

باغ را آبیاری کرد، ولی این کار باید حتماً مداوم باشد و از اسید با حجم بسیار بالا استفاده شود. البته این عملیات باید طبق تفسیر آزمایش خاک و مشورت با کارشناسان صورت بگیرد. با توجه به در دسترس بودن و ارزانی اسیدسولفوریک، این ماده اصلاح‌کننده خیلی خوبی است. باید توجه داشت که در زمان استفاده از اسید، آن را به همراه آب آبیاری وارد نمایید، چون اگر اسید مستقیماً روی خاک بریزد سریع با آهک خاک واکنش نشان داده و خنثی می‌شود و هیچ تأثیری نمی‌گذارد. یک توصیه عملی و خیلی راحت، اسیددهی به صورت شیر-شکه یا اصطلاحاً شربت است. یعنی اگر آبیاری هر کرت نیم ساعت آب می‌برد، پس از ربع ساعت آبیاری شیر ظرف را باز می‌کنیم تا زمانی که کرت کاملاً پر از آب شود. روش اجرایی اسیددهی در صفحه ۲۶ ویژه نامه اسفند ۱۳۹۰ انجمن در

اگر این عدد بیشتر از ۵۰ شود حتماً باید گچ استفاده شود. در بعضی از مناطق، آب علاوه بر وجود منیزیم مشکل سدیم هم دارد و حتی سر و کله عنصر بور نیز پیدا می‌شود. جدا کردن بور از خاک کار بسیار دشواری است، اما تنها با گچ دادن می‌توان به راحتی هر ۳ معضل منیزیم، سدیم و بور را حل نمود. در شرایطی که مسمومیت بور وجود داشته باشد، هدف از افزودن گچ کاهش حجم آب مورد نیاز برای شستشوی بور اضافی از خاک است.

گچ خوب کشاورزی، درصد آهک پایینی دارد، خلوصش بالا است و شوری پایینی دارد. در بعضی از مناطق، شوری گچ بالای ۱۰ هزار است و این گچ خودش مقدار زیادی نمک وارد خاک می‌کند و مضر است. در ضمن در برآورد نیاز گچی در نظر گرفتن بافت خاک نیز اهمیت دارد.

اصلاح‌کننده بعدی اسید سولفوریک است. تقریباً تمام خاک‌های ما آهکی هستند. و آهک موجود در خاک‌ها از ۲ درصد تا ۵۰ درصد متغیر است. یکی از فوق ستاره‌هایی که می‌تواند بر خاک‌های آهکی اثر بگذارد و آنها را اصلاح کند، اسید سولفوریک است. از طریق استفاده از اسید سولفوریک در خاک‌های آهکی، سولفات کلسیم ارزان قیمتی در خاک تولید می‌شود و در صورتی که مداوماً استفاده شود باید انتظار داشته باشیم اثرات خوبی مشاهده کنیم.

اصلاح کردن آب با استفاده از اسیدسولفوریک خیلی راحت‌تر از خاک است. اسیدیته آب را می‌توان روی ۵ آورد و در زمستان



مدیریت شوری هنگام بارندگی

بارندگی‌های فصل زمستان و نزدیک به عید که معمولاً به شکل بارش برف یا باران مداوم هستند و در این زمان موتورها را خاموش می‌کنند، در صورتی که شوری آب و خاک بالا باشد می‌تواند منجر به خسارت شود. در حقیقت، تمام نمکی که در پشته‌ها تجمع یافته به داخل داخل کرت هدایت می‌شود و کم‌کم روی ریشه‌ها نفوذ می‌کند. در این زمان از سال، اثرات شوری قابل مشاهده نیستند. بنابراین، باید به محض تمام شدن بارندگی‌ها آبشویی را شروع کنیم، چون این نمک حتی در فصل زمستان نیز قادر به خشک کردن درختان است. در این شرایط باید حتماً آبیاری انجام دهیم و نمک را از ناحیه ریشه پایین ببریم تا خسارت ایجاد نکند. همان طور که در قسمت علائم شوری بیان شد، انجام یکسری اقدامات ضروری در صورت مشاهده تنش شوری در اول فصل لازم است. اگر مشاهده کردیم که درختی در اول فصل به دلیل تنش شوری سبز نمی‌شود باید به شعاع تقریباً ۵۰ سانتی‌متر و عمق ۲۰ سانتی‌متر خاک دور طوقه را برداریم و بین دو نوبت آبیاری در فروردین و اردیبهشت، با تانکر دو نوبت آب شیرین، حداقل به حجم ۱۵۰ تا ۲۰۰ لیتر، پای درخت بریزیم تا آبشویی انجام شود و در اردیبهشت هم باز کار را انجام دهیم. در این شرایط تقریباً ۸۰ درصد درختانی که در خطر مرگ هستند، احیا می‌شوند. همچنین، به درخت‌هایی که تحت تنش شوری واقع شده‌اند به مدت یکسال به هیچ وجه نباید کود ازته بدهیم.



کل کودهای به فرم سولفات است. علاوه بر نوع منبع کودی، زمان استفاده از کودها در شرایط شوری نیز بسیار مهم است. در این شرایط، فشار اسمزی در خاک، مخصوصاً در ماه‌های گرم سال بالا است. در ماه‌های گرم اصلاً نباید از کودهای ازته استفاده کنیم. ازت را باید در ماه‌های خنک سال استفاده نمود؛ یک نوبت در اسفند و فروردین و یک نوبت هم در شهریور یا مهر همراه با آخرین آب قبل از برداشت. نباید در فصل گرم، فشار روی درخت گذاشت. در صورت دادن کودهای ازته در فصل گرم سال، این کار می‌تواند اثرات منفی داشته باشد و حتی اگر درخت اثرات کمبود ازت دارد، خسارت مصرف ازت بیشتر از کمبود ازت است. کمبود ازت روی اونس تأثیر می‌گذارد و ممکن است جوانه‌ها ریزش کنند، اما اگر در شرایط شوری، در ماه‌های گرم ازت بدهیم، علاوه بر حاشیه سوختگی، پوکی و نیم مغزی بالا می‌رود.

استفاده از رقم اکبری گزینه خوبی است باید مسئله اقلیم را نیز در نظر بگیریم. نیاز سرمایی اکبری بسیار بالا است. بنابراین، در مناطقی مثل بافق یزد، ارزوئیه کرمان، خور و بیابانک در اصفهان، طیس در خراسان و استهبان و داراب فارس باید از تکثیر این رقم جلوگیری شود، چون نمی‌تواند محصول اقتصادی به ما بدهد و نیاز سرمایی‌اش حتی از طریق روغن‌پاشی نیز برطرف نمی‌شود.

مدیریت کودها در شرایط شوری

وقتی امکان بروز تنش شوری وجود دارد باید از کودهایی استفاده کنیم که ضریب شوری آنها پایین‌تر باشد. ضریب شوری کودها در جداول مخصوصی کاملاً مشخص شده‌است. در این بین توجه به ضریب شوری کودهای ازته‌ای مثل اوره، سولفات آمونیوم و نیترات آمونیوم که ما در باغات پسته استفاده می‌کنیم، بسیار مهم است. در شرایط شوری، بهترین گزینه سولفات آمونیوم و در



گفت‌وگو با علی ناجی از باغداران موفق در مدیریت شوری

مدیریت آب شور نیازمند درک دولت

و فندق‌هایمان پوک شدند، اما با این حال از هر هکتار ۱۴۰۰ کیلو پسته خشک برداشت کردیم. شاید از نظر علمی توجیه نداشته باشد، اما من کشاورز خیلی خوشحالم که ۴۰۰ کیلو را به ۱۴۰۰ کیلو رساندم. امیدوارم که در دو، سه سال آینده با توجه به ترکه‌ای که درخت‌ها زده‌اند و رشد زیادی داشته‌اند و همچنین درختان خشک شده را جایگزین کردیم و تغییر پیوند دادیم، افزایش چشمگیری را در عملکرد شاهد باشیم.

شوری آب آبیاری در منطقه‌ای که می‌فرمایید چقدر بوده و شما چطور موفق شدید بر آن غلبه کنید؟

شوری آب در این منطقه ۲۰ هزار است! به‌نظر من برای اینکه در شرایط شوری آب، بتوانیم برداشت خوبی داشته باشیم باید یکسری کارهای مدیریتی انجام بدهیم. البته ناگفته نماند که درخت، آب شیرین می‌خواهد. اما حالا که ما آب شیرین نداریم، نه در منطقه وجود دارد و نه می‌توانیم انتقال بدهیم، تنها تجربه من این است که اولاً باید میزان سطح زیر کشت را پایین بیاوریم. به‌عنوان مثال، اگر شما ۱۰ هکتار باغ دارید، امروز با این آب تلخ و شور نمی‌توانید پسته خوبی برداشت کنید و حداقل ۴ هکتار را باید از آب بیاندازید تا هم مابقی درختان باغ سیراب شوند و همچنین تلخی و شوری آب از منطقه ریشه عبور کند. اگر آبیاری سبک باشد

و درخت یک متر ترکه می‌زد و خوب هم پسته می‌داد.

اما امروز شریط فرق کرده، میزان برداشت خیلی افت کرده‌است. مثلاً در منطقه انار بیش از ۵۰ درصد باغات خشک شده‌اند، چون آب ندارد. طی ۱۰، ۱۵ سال گذشته، ما افت آب شدیدی را تجربه کرده‌ایم به‌طوری‌که میزان آن نصف شده‌است و همچنین آب‌ها شور و تلخ شده‌اند. شوری و تلخی آب باعث کاهش عملکرد شده و نمی‌توان پسته زیادی برداشت. من در منطقه حجت آباد ۳۰۰ هکتار باغ زیر کشت پسته داشتم که ۱۲۰ هکتار از آن را از آب انداخته‌ام، الان فقط حدود ۱۷۰ هکتار را آب می‌دهم. ما به‌طور میانگین حدود ۸۰۰ درخت در هر هکتار داشتیم که از این تعداد حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ درخت از وسط باغ خشک شده‌است و ما مجبور شدیم توکاری کنیم، پیوندها را هم عوض کردیم و پیوند اکبری زدیم چون اکبری سازگارتر است.

این مسائل باعث شد عملکرد باغ‌های ما بسیار کاهش پیدا کند، به‌طوری‌که حدود ۶ سال پیش فقط حدود ۴۰۰ کیلو از هر هکتار برداشت کردیم. دخل و خرجمان با هم نمی‌خواند و ما از جای دیگر خرج این باغات می‌کردیم. اما به مرور زمان یاد گرفتیم چکار باید بکنیم و الان میزان عملکرد باغ‌هایمان حدود ۵ برابر افزایش پیدا کرده‌است. امسال پسته‌ها به دلیل گرمی هوا خسارت دیدند و ۶۰ درصد کله‌قوچی

آقای ناجی! لطفاً خودتان را معرفی کنید و بفرمایید مشغول به چه کاری هستید؟

من علی ناجی هستم. ساکن گلشن انار، شغل آبا و اجدادی من کشاورزی است. در مناطقی از انار مثل گلشن، حجت آباد، دولت آباد و توکل آباد و منطقه مهدی آباد یزد و بین مروست و ابرکوه و همچنین در استان خراسان رضوی پسته کاری داریم.

متوسط برداشت پسته از هر هکتار از باغات شما در منطقه انار چقدر است؟ و آیا میزان برداشت نسبت به گذشته تغییر کرده است؟

در قدیم که آب شیرین بود برای ما پروانه بهره‌برداری ۱۰۰ لیتر در ثانیه صادر کردند. در آن زمان کشاورزان درخت‌ها را بی‌حساب و کتاب آب می‌دادند؛ نه لوله‌کشی بود و نه سیستم آبیاری قطره‌ای، بلکه جوی‌ها خاکی و آب شیرین بود. هر جا که خاک ملک خوب و آب شیرین بود، خودبه‌خود پسته زیادی برداشت می‌شد؛ یعنی بدون نیاز به کود شیمیایی و حیوانی و سم‌پاشی و تنها با آب دادن درختان، پسته خوبی به عمل می‌آمد.

در گذشته، به ازای یک چاه، ۱۰۰ تا ۱۲۰ هکتار زمین را زیر کشت پسته می‌بردند، چون آب زیاد و شیرین بود. ما کرت ۱۲۰ تا ۱۵۰ قصبی را در هر ۴۸ روز مثل دریاچه آبیاری می‌کردیم

آموزش‌های جهاد کشاورزی، اسید سولفوریک ۹۸ درصد هم می‌دهیم.

چقدر اسید در هر هکتار می‌دهید؟

ما در آبیاری غرقابی و قطره‌ای pH آب را به نحوی تنظیم می‌کنیم که روی عدد ۵ قرار بگیرد. هنگام آبیاری وقتی دبی آب ۳۰ لیتر در ثانیه است، در هر ساعت ۲۰ لیتر اسید قاطی می‌کنیم. دقیق محاسبه نکردیم که چند لیتر می‌دهیم. استفاده از اسید طی سالیان متمادی خیلی موثر است؛ یعنی اگر کسی به‌صورت سالیانه اسید بدهد و ۴، ۵ سال صبر کند، خیلی خوب جواب می‌گیرد.

شوری آب روی سایر عملیات باغی مثل هرس کردن هم تأثیرگذار است؟

بله. درختانی که آب شور می‌خورند هرس کردنشان زیاد می‌شود، چون سرخشکیدگی می‌آورند. مال قبل از اینکه آب شیرین‌کن نصب کنیم از یک باغ حدود ۵۰ میلیون تومان کُنده درخت خشک‌شده فروختیم! اما پارسال این عدد به ۶ میلیون تومان رسید! به دلیل نصب آب شیرین‌کن، سرخشکیدگی درخت‌هایمان سال به سال کم شده و همچنین هزینه کارگری کاهش یافته، چون خشکیدگی کمتر شده است.

آیا در استفاده از آب شیرین‌کن چه از نظر کارکرد فنی دستگاه و چه از نظر مجوزهای تشکیلات دولتی مشکلی وجود دارد؟

یکسری مشکلات دارد و هزینه نگهداری‌اش خیلی بالاست. مثلاً مواد شوینده‌ای که جرم فیلترهای آنتی اسکالات را از بین می‌برد، گران است. مصرف برق این دستگاه زیاد است؛ هزینه برق ماهانه این دستگاه حدود ۷ میلیون تومان می‌شود. فیلترهای دستگاه هر ۴ سال یک‌بار باید عوض شوند. قیمت هر فیلتر در گذشته ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بوده و الان به

با این آب درختان را آبیاری می‌کنیم و ملک‌های خوبی هم داریم که روز به روز بهتر می‌شوند. از طرف دیگر، باغ‌ها را به سیستم آبیاری قطره‌ای مجهز کرده‌ایم؛ ما قبلاً هر ۳ ماه یک‌بار آب می‌دادیم، اما الان با سیستم قطره‌ای هر ۲۴ روز یک‌بار با شیفت ۴۸ ساعتی آب می‌دهیم. من بررسی کردم در این شرایط با آبیاری قطره‌ای، خاک باغ به اندازه ۱،۵ متر از هر طرف درخت و به عمق ۲ متر خیس می‌شود.

در جاهایی که آبیاری غرقابی است باید چکاری انجام داد؟
باید خاک اصلاح شود و تنها کاری که می‌توانیم بکنیم این است که سطح کرت‌ها را صاف کنیم و ماسه بادی بریزیم. ماسه بادی خیلی اثر دارد و نم را نگه می‌دارد.

ضمناً کودهای شیمیایی مثل اوره، در شرایط شوری، درخت‌ها را خشک می‌کنند؛ کود مرغ هم همین‌طور است، مگر اینکه کم ریخته شود. ما کود مرغ را به‌طور مستقیم استفاده نمی‌کنیم، بلکه شیره کود مرغ را در استخر می‌ریزیم و از طریق سیستم قطره‌ای به میزان کم استفاده می‌کنیم. بهترین حالت این است که کود گاوی داده شود و از دادن کودهای شیمیایی که با شرایط آب تلخ و شور ناسازگارند، پرهیز شود. ما دو سال است که با

و تلخی و شوری در ناحیه ریشه بماند، درخت‌ها خشک می‌شوند.

اما یک مشکل بزرگ در این کار وجود دارد که جلوی بهره‌وری را می‌گیرد. در واقع اداره آبیاری این مشکل را ایجاد می‌کند. اگر سطح زیر کشت را کم کنیم، اداره آبیاری می‌گوید سطح زیر کشت باغ شما ۱۰۰ هکتار بوده و الان ۶۰ هکتار شده، بنابراین، لیتراژ آب که ۳۰ لیتر بوده باید به ۲۰ لیتر کاهش پیدا کند. در این شرایط باز آب کم می‌آوریم. در صورتی که برای مدیریت شوری در شرایط آب شور، باید آب بیشتری نسبت به زمانی که آب شیرین بوده به درخت پسته داده شود.

این مانع بزرگ باعث می‌شود که بسیاری کشاورزها تصمیم بگیرند که با کم‌آبی بسازند و سطح زیر کشت را کم نکنند تا پروانه آبشان کم نشود.

راه دوم، استفاده از دستگاه آب شیرین‌کن است که برای چاه‌های ۶ دانگی بهترین روش است. در حال حاضر، من دستگاه آب شیرین‌کن نصب کرده‌ام که به میزان ۲۰ لیتر در ثانیه آب را شیرین می‌کند. آب شیرین با EC زیر هزار را با ۸ لیتر آب شور قاطی می‌کنیم و میزان شوری آب حدود ۵ هزار می‌شود و



۱۷ میلیون تومان رسیده است؛ یعنی ما برای تعویض ۷۲ فیلتر باید حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان بپردازیم. در کل هزینه زیادی دارد، ولی ما حرفی نداریم، چون بهتر از این است که ما همه زحمات را به باد دهیم و کارگرها را بیکار کنیم. برای باغ‌های قدیمی که روی پا هستند ما علاجی جز استفاده از آب شیرین کن نداریم. هرچند، هزینه سرمایه‌گذاری آن خیلی بالا است، ولی جواب می‌دهد. اگر ۴۰ درصد از عایدی، خرج آب شیرین کن شود، لااقل ۶۰ درصدش باقی می‌ماند، درختان باغ خشک نمی‌شوند و کارگران را بیکار نمی‌کنی و این خیلی خُسن دارد.

مشکل اساسی ما موانع دولتی و قوانین روزانه‌اش است. در کشور ما به جای اینکه کارشناسان دولت راهنمایی کنند، سنگ جلوی پای ما می‌اندازند! می‌گویند استفاده از آب شیرین کن ممنوع است، چون پساب آن وارد آب‌های زیرزمینی می‌شود و آنها را خراب می‌کند. من در اولین سالی که پساب دستگاه آب شیرین کن را در کویر و شورزارهای استان یزد رها کردم، چنان علف سبز شده بود که اگر کشورهای اروپایی و پیشرفته دنیا بودند من را تشویق می‌کردند. اما اینجا می‌گویند پساب ریزگرد به وجود می‌آورد! تصورم این است که اصلاً نمی‌دانند ریزگرد یعنی چه و علت بروز آن چیست!

در این شرایط چکار می‌کنید؟

ما الان آبی که پروانه و مجوز آن را داریم، شیرین می‌کنیم. دستگاه آب شیرین کن ۲۵ درصد پساب دارد. ۷۵ درصد از آب که شیرین است را با آب شور قاطی می‌کنیم و به باغ‌هایمان می‌دهیم. با ۲۵ درصد پساب، گیاهی بنام سالیکورنیا می‌کاریم که از مرکز تحقیقات شوری کشور، بذرش را به

ما دادند. یعنی ما با قسمت پساب که می‌گویند ضرر دارد یک گیاه کشت می‌کنیم. سالیکورنیا در منطقه آفریقا و آمریکای جنوبی لب دریا کاشته می‌شود و آن را به کشورهای فقیر می‌فروشند؛ چون ارزان است و درصد پروتئین بالایی دارد، به جای گوشت مصرف می‌شود.

آیا دولت با کاشت سالیکورنیا با استفاده از پساب آب شیرین کن مشکل دارد؟

اصلاً نمی‌آیند نگاه کنند! من به محیط زیست و اداره آب هم گفتم. اداره آب می‌گوید ما مشکل نداریم، بروید اداره محیط زیست؛ محیط زیست هم می‌گوید ما مشکلی نداریم، بروید اداره آب! من خودم در تهران با آقای حاج رسولیان مدیرعامل اداره آب و آقای اردکانیان وزیر نیرو صحبت کردم و به نماینده رفسنجان نامه نوشتم. وزیر نیرو نامه نوشته که مجوز به ایشان بدهید. اما محیط زیست می‌گوید شما باید بروید دستگاهی بیاورید که منیزیم و نمک

پساب را بگیرد و آن را بسته‌بندی کنید که اصلاً به سفره‌های آب زیرزمینی وارد نشود!

من دیدم که در مطالعه موردی دشت رفسنجان نفوذپذیری دشت را صفر در نظر گرفته‌اند.

باید ببینند نگاه کنند و چاله آزمایشی بکنند و ببینند. هیچ کس نمی‌آید! فقط در اداره نشست‌اند و حرف می‌زنند. چون همه کارشناسان ما در فرانسه، هلند و کشورهای اروپایی درس خوانده‌اند و آنجا سطح آب خیلی بالا است، فکر می‌کنند اینجا هم پساب به سفره می‌رسد!

به ما می‌گویند باید استخر ایزوله درست کنید و ما استخر درست کردیم و پساب ما هیچ جا وارد زمین نمی‌شود. و اگر پساب زیاد شود سالیکورنیا می‌کاریم. باید ببینند، ببینند، راهنمایی کنند و تشویق کنند تا مصرف این گیاه را جا بیاوریم. بتوانیم از این گیاه استفاده کنیم و اشتغالزایی کنیم، اما هیچ کس نمی‌آید.



آن زمان آقای عرب‌پور مسئول بودند، گفتند نه ممنوع است! بعد از کلی دوندگی، شرکت آب منطقه‌ای گفت از نظر ما مشکلی وجود ندارد. رفتم اداره آب و درخواست پروانه بهره‌برداری دادم و گفتم با اینکه ۶، ۷ سال است که از آب شیرین‌کن استفاده می‌کنم هنوز به من مجوز نداده‌اند! می‌گویند مشکلی ندارد، ولی ما باید طبق بخشنامه وزیر از جهاد کشاورزی و محیط زیست استعلام بگیریم! جهاد کشاورزی مشکلی ندارد و جواب داده‌است، اما محیط زیست می‌گوید که در اختیار ما نیست و پرونده باید به استان برود. الان حیرانیم! هر دفعه که یک ماشین پیدا می‌شود، استرس این را داریم که شاید می‌خواهند چاهمان را ببندند.

نمی‌دانیم چه کنیم!

آیا برای مواجهه با مشکل کم آبی چاره دیگری جز کاهش میزان مصرف آب داریم؟ به نظرتان اگر از شما بخواهند مقدار برداشت آب را نصف کنید چنین چیزی عملی است؟

ما کشاورزان مالک آب هستیم. قبلاً زیاد برداشتیم و امروز داریم ضررش را می‌بینیم. اگر امروز کمتر آب برداریم برای نسل‌های آینده آبی باقی می‌ماند. این آب متعلق بچه‌های خودمان است. اگر قانون در کشور درست اجرا می‌شد، همه راضی بودند و درصدی از برداشت را کم می‌کردند. اما این کاهش باید پله پله انجام شود تا مردم بتوانند خودشان را وفق دهند. اما الان قانون رعایت نمی‌شود و مسئولین دروغ می‌گویند. اداره آبیاری می‌گوید ۲۵ درصد از همه آب‌ها کم می‌کنم، اما فقط از یکسری از چاه‌ها کم می‌کند. الان چاهی که اصلاً مجوز ندارد، چون با آقای ایکس رفیق و یا فامیل است دارد آب می‌کشد. بعد به من می‌گویند باید ۵۰ درصد کم کنی. این چه قانونی است!؟

ما در یزد هم مشکل داشتیم، اما به کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی مراجعه کردیم و قاضی و نماینده‌اش آمدند و نگاه کردند و گفتند هیچ مشکلی نیست؛ محیط زیست هم گفت مشکلی وجود ندارد. فقط گفتند اگر آب بیشتری برداشت کنید و تخلف کنید، چاه‌تان پلمپ می‌شود.

مشکل این است که در استان کرمان پروانه نمی‌دهند. محیط زیست می‌گوید اگر آب منطقه‌ای موافقت کند، مجوزتان را می‌دهیم و نامه‌ای در این مورد به من دادند. نامه را بردم به آب منطقه‌ای،

شاید فکر می‌کنند با نصب آب شیرین‌کن برداشت آب زیاد می‌شود.

در کشور ما چاره‌ای به جز نصب آب شیرین‌کن وجود ندارد. اگر در این منطقه آب شیرین نشود کل مردم مناطق استان اصفهان تا استان کرمان بیکار می‌شوند، چون این منطقه درگیر کم آبی است. دولت باید انتخاب کند که آب را شیرین کند یا ۴ میلیون نفر بیکار شوند! **شما در منطقه انار نمی‌توانید آب شیرین‌کن نصب کنید؟**



متن کلیپ آموزشی

«انتخاب نهال مناسب»

منتشر شده در ۱۹ دیبهاشت ۹۹

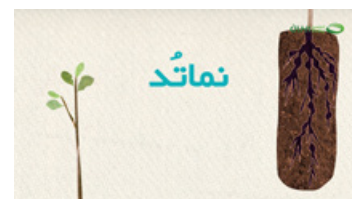
ضرورت توجه به ویژگی‌های نهال پسته

در این مقاله به ویژگی‌های مطلوب نهال‌های بذری پایه اهلی پسته که معمولاً بذری کشیده دارند و به شکل گلدانی عرضه می‌گردند، می‌پردازیم. نهال مناسب، اساس یک عمر سرمایه‌گذاری است، در انتخاب آن دقت کنید.

علاوه بر این که نهال را از نهالستان‌های معتبر تهیه می‌کنید، دقت کنید که قبل از خرید نهال، آن را از نزدیک بررسی کنید تا ریشه آن فاقد غده و گره باشد. گره و غده به معنای وجود نماتد است.



بهتر است برای اطمینان از سلامت نهال، حتماً نهال و خاک آن را به آزمایشگاه ببرید تا آن را از نظر آلودگی



به قارچ‌ها، باکتری و سایر عوامل بیماری‌زا به ویژه نماتد مورد سنجش قرار دهند.

هرچه ارتفاع گلدان نهال بلندتر باشد، مطلوب‌تر است. به‌علاوه، از وجود سوراخ‌های زه‌کش در بدنه کیسه پلاستیکی اطمینان حاصل کنید.



هنگام خرید نهال دقت کنید که ارتفاع و قطر ساقه، متناسب با سن نهال و حجم ریشه باشد.

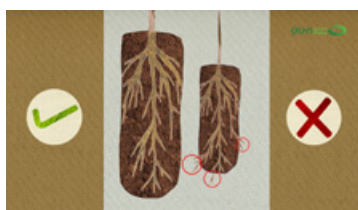


نهال مناسب، فاقد پیچ خوردگی در طوقه (یقه) و ریشه است. زمانی که

ریشه یا طوقه پیچ بخورد، گیاه برای انتقال آب و مواد غذایی انرژی بیشتری مصرف می‌کند که بر رشد تأثیر منفی می‌گذارد.



هر چه میزان بیرون‌زدگی ریشه از خاک بستر کمتر باشد، مطلوب‌تر است.



از دیگر نشانه‌های ریشه ناسالم، پودر شدن آن در حالت خشکیدگی و له‌شدن در صورت پوسیده بودن است.

در صورتی که بتوانید یک نهال را از ساقه بگیرید و ریشه از خاک جدا نشود، یعنی ریشه پُر و قوی است و این نهال مناسب است.



نهال معمولاً وقتی خواب است یا اصطلاحاً خزان کرده به فروش می‌رود. بهترین زمان کاشت، به محض خزان نهال است، اما می‌توان نهال را تا آخر زمستان هم کاشت.



وضع قیمت و تجارت پسته

اینکه قیمت پسته تابع عرضه و تقاضا است به چه معنی است؟ و سایر عوامل موثر بر قیمت پسته چه هستند؟

هر عاملی را که در نظر بگیریم به یکی از دو جانب عرضه و تقاضا برمی‌گردد. مثلاً در اوایل پاندمی کورونا و کوچک‌تر شدن اقتصاد جهانی، تقاضا را برای پسته که یکی از مواد غذایی لوکس محسوب می‌شود کاهش داده‌بود. همچنین، شرایط ناپایدار سیاسی و اقتصادی داخلی انگیزه صادرکنندگان را کم می‌کند و به نوعی تقاضای خرید پسته از سوی صادرکنندگان کم می‌شود.

باغداران بر این باورند که با ضرب قیمت دلاری پسته - که معمولاً با کسر اُنس پسته مشابه نسبت به قیمت پسته آمریکا

آقای عسگراولادی! وضعیت فروش محصول در شروع سال تجاری جدید را به لحاظ قیمت و مقدار را چطور ارزیابی می‌کنید؟

خوشبختانه، تجارت پسته در سه ماه اول سال تجاری، رقم رضایت بخش ۹۰ هزار تن را داشت و مقدار مناسبی پسته صادر گردیده و این مرهون قیمت مناسب پسته در داخل و خارج بوده‌است.

تعیین قیمت پسته ایران در بازارهای جهانی به دلار و در داخل به ریال چگونه انجام می‌شود؟ قیمت پسته را عرضه و تقاضا شکل می‌دهد و خوشبختانه در این سه ماه قیمت دلار متناسب با قیمت‌های مورد نظر خریداران خارجی و فروشندگان داخلی اعم از صادرکنندگان و تجار و کشاورزان بود.

می‌سنجند - در نرخ دلار و در نظر گرفتن یک حاشیه سود برای تاجر، قیمت پسته قابل محاسبه است؛ آیا این فرمول محاسبه اشتباه است؟

محاسبه شما صحیح است. امروز خرید پسته فندقی از کشاورزان در قیمت ۵ دلار برای صادرکننده صرفه دارد. با دلار امروز، که قیمت آن ۲۸ هزار تومان است، دست صادرکننده باز است که پسته فندقی را در قیمت ۱۴۰ هزار تومان بخرد و کار به جریان می‌افتد. اما به دلایل متعددی مثل حمل و نقل طولانی و یا قراردادهای بلند مدت و یا ارسال پسته‌های نافرود و یا ریسک تغییر قیمت دلار این عددها همیشه همخوان نیستند و صادرکننده دائماً در مخاطره است. مثل همیشه توصیه من به باغداران این است که خود را وارد این مخاطرات نکنند و پسته‌های خود را بفروشند و دنبال توسعه و بهتر کردن تولید خود باشند که منافع دراز مدت آن بسیار بیشتر از ریسک‌های تجاری است. **آیا روش و فرمولی وجود دارد تا باغدار مظنه‌ای از قیمت محصولش پیدا کند؟**

معمولاً قیمت پسته‌ای که صادرکنندگان می‌خرند قیمت واقعی پسته است، زیرا صادرکننده حرفه‌ای تمام پارامترها را در نظر می‌گیرد و وارد بازار می‌شود. نگاه





کنونی کشور به اندازه کافی ریسک داریم و اضافه کردن ریسک دلار، فشاری جدید به طرفین است.

باتوجه به شرایط کنونی، آیا تأسیس تشکلی مانند شرکت تعاونی، کنسرسیوم صادراتی و یا ادغام چند شرکت تجاری می‌تواند راهکاری برای کاهش مشکلات پسته ایران باشد؟

در کل، این ایده بسیار خوب است که پسته ایران یک لیدر مثل پارامونت در آمریکا را داشته باشد، اما باید بپذیریم که چنین شرکتی باید از بطن بخش خصوصی بجوشد. و الا تجربه ناموفق شرکت تعاونی رفسنجان و یا شرکت ایرانیان را در دهه‌های گذشته دیده‌ایم. ساختار سیاسی و اقتصادی ما بستر مناسبی برای ظهور چنین شرکت‌های بزرگی را نمی‌دهد و انگیزه‌ای به سرمایه‌گذاران ایرانی و خارجی نداده که چنین ریسک‌هایی را بنمایند و بسوی چنین سرمایه‌گذاری‌های پر خطری در شرایط فعلی ایران بروند.

به نظر شما آیا امکان اصلاح زنجیره تأمین پسته از سمت باغدار، یعنی تجمیع خرده مالکی و سپس ادغام مجموعه‌های تولید پسته، فرآوری و فروش تحت یک مجموعه در پسته ایران وجود دارد؟

تبدیل نظام خرده مالکی به شرکت‌های بزرگ کشاورزی بسیار مفید است؛ هم تولید را افزایش می‌دهد و هم قیمت‌ها را اقتصادی می‌کند و هم کیفیت پسته را بالا می‌برد. اما وضعیت نابسامان سیاسی و اقتصادی همه را مشغول به گذران روزمره کرده‌است و انگیزه‌ای برای برنامه‌ریزی دراز مدت برای کسی به‌جا نگذاشته است. اینها برنامه‌ریزی‌های کلان بخش خصوصی است و می‌بینید که سهم بخش خصوصی در اقتصاد ما ناچیز است و بخش دولتی و خصولتی و نظامی ما هم که توان چنین کارهایی را ندارد.

این گله‌مندی کشاورزان اصلاً صحیح نیست و صادرکنندگان مقصر نیستند. قیمت پسته را عرضه و تقاضا تعیین می‌کند و اصلاً بازار بزرگ پسته ایران و تعداد بسیار زیاد صادرکنندگان امکان چنین اجحافی را به آنها نمی‌دهد. در صحنه بین‌المللی هم در شرایط رکود اقتصاد جهانی صرفاً پارامتر رقابت تنگاتنگ صادرکنندگان و فشار خریداران قیمت‌ها را می‌سازد.

برخی از تجار موضوع خرید پسته از کشاورز را به صورت دلاری مطرح می‌کنند، سابقه این روش خرید و نحوه اجرای آن چگونه است؟ این کار به چه دلایلی انجام می‌شود و چه کار کردی دارد؟ اگر قیمت پسته تابعی از نرخ دلار است، انجام این کار چه توجیهی دارد؟

این روشی نوین است که ارزش پولی را حفظ می‌کند و کشاورزان را از دغدغه بی‌ارزش شدن ریال حفظ می‌کند، ولی باید توجه داشت که این هم تیغی دو لبه است که هر آن ممکن است یا به صادرکنندگان و یا به کشاورزان لطمه وارد کند. برای کارآمدی این روش، بسیار باید فکر کرد. به‌عنوان مثال، کشاورز پسته را به‌صورت مدتی به دلار به صادرکننده می‌فروشد و در هنگام دریافت وجه در سررسید ممکن است که قیمت ارز بسیار پایین و یا بسیار بالا رفته باشد که این یا به ضرر فروشنده است یا به ضرر خریدار. به نظر من، ما در تجارت پسته در شرایط

کردن به قیمت دلاری پسته در خارج از کشور راه دقیقی برای کشف قیمت برای باغداران نیست. بر اساس تجربه صادراتی ۳۵ سال گذشته، قیمت دلاری در خارج با تلورانس ۱۰ درصد از قیمت داخل کمتر یا بیشتر و دلایل متعدد این اتفاق در پاسخ به سوال چهارم ذکر شد. کشاورزان و تجار داخلی می‌دانند که قرار نیست صادرکننده در هر محموله صادراتی استفاده ببرد، مهم این است که در طول سال تراز مثبت باشد.

تورم داخلی چگونه و چه میزان بر آستانه انتظارات قیمتی باغداران اثر داشته؟ آیا این تورم در قیمت ریالی فعلی پسته انعکاس یافته؟ به چه نحو؟

تورم داخلی پارامتری مهم در افزایش قیمت پسته است، اما امسال با وجود تولید بسیار خوب پسته آمریکا و ترکیه متأسفانه به دلیل عرضه زیاد پسته این عامل تورمی مستقیم عمل نکرد و عملاً انتظاری که کشاورزان ایران از افزایش قیمت‌ها به نسبت تورم داشتند، محقق نشد.

باغداران در گفته‌هایشان دو گله‌مندی را مطرح می‌کنند:

- ۱- تجار قیمت دلاری پسته را در بازارهای خارجی پایین آورده‌اند
- ۲- تجار در حق کشاورز اجحاف می‌کنند و قیمت ریالی را پایین اعلام می‌کنند تا حاشیه سود بالایی کسب کنند؛ واقعیت ماجرا از دید شما چیست؟

گفت‌وگو با علی اکبر طاووسیان، فعال کهنه‌کار بازار پسته

صرفاً تاجر ایرانی تعیین کننده قیمت نیست



بازرگانی

بعضی اوقات صراف‌ها عملیاتی که انجام می‌دهند ممکن است پولشویی تعبیر شود. اگر این مسئله در پسته ایران ادامه پیدا کند ممکن است یک خطر جدی برای صادرات پسته باشد و آن را تحریم کنند و فاجعه به وجود آورد.

صرفاً این مسئله روی قیمت پسته در داخل چه اثری دارد. آیا می‌تواند مشکلی ایجاد کند یا خیر؟

اصلاً چرا باید این‌طوری شود؟! معمولاً اقتصاد ناسالم این چیزها را ایجاد می‌کند که همه دنبال مسائلی از این دست می‌روند. شخصی که این کار را می‌کند احتمالاً می‌خواهد رقابتی بکند و خودی نشان دهد و ظاهراً می‌خواهد در جهت کمک به کشاورزها این کار را بکند، ولی من فکر نمی‌کنم عاقبت خوبی داشته باشد.

فکر می‌کنید این کار در جهت کمک به کشاورز است یا رقابت با سایر تجار؟

آن کسی که دارد این کار را می‌کند، فکر می‌کند که دارد به کشاورز کمک می‌کند، ولی عملاً می‌خواهد خودش را نشان دهد. عقیده من این است که عاقبت خوشی نخواهد داشت.

به‌طور کلی، فرض کنید همان نرخ‌ی که به یورو در اروپا یا در چین از صادرکنندگان می‌خرند. البته بعضی‌ها رقابت نابه‌جایی می‌کنند و نرخ‌ها را پایین می‌آورند که نادرست است.

قیمت دلاری پسته طی چند سال گذشته خیلی نوسان داشته، چه عاملی باعث این نوسان است؟

رقابت‌های نابه‌جا معمولاً توسط کسانی که بلد نیستند و تازه وارد بازار می‌شوند یا کسانی که پسته را به صورت قاچاق می‌برند و از آن طرف کالا وارد می‌کنند، صورت می‌گیرد. کسانی که به‌طور معمول و رسمی صادر می‌کنند یک مقیدار در این قضایا مشکل دارند. اکثراً قاچاقچیان یا کارت‌های اجاره‌ای که تعهدی برای برگرداندن ارز ندارند این کار را می‌کنند.

این کار به ضرر کشاورز نیست؟

به ضرر کل منافع ملی است. اما کسانی که باید جلوی این کار را بگیرند متأسفانه گاه‌گاهاً اهمال کاری می‌کنند.

پس شما معتقدید که قیمت دلاری پسته باید بالاتر از عدد فعلی باشد؟

اگر بشود خوب است، ولی قیمت دلاری باید قابل رقابت با رقبای پسته ایران باشد.

الان عده‌ای در داخل می‌گویند ما پسته را به دلار می‌خریم، این یعنی چه؟

نمی‌دانم! براساس حساب‌هایی که خودشان کردند این کار را می‌کنند. به نظر من، این کاری که دارند انجام می‌دهند با همکاری اشخاصی بوده که کارشان صادرات پسته نبوده است؛ بعضاً هم احتمالاً اینها صراف بوده‌اند.

آقای طاووسیان! قیمت پسته ایران چگونه تعیین می‌شود؟ تعیین قیمت پسته بر اساس معادلات اقتصادی نیست و فعلاً بر اساس نرخ دلار تعیین می‌شود. معمولاً مالکان صبح به صبح به نرخ دلار نگاه می‌کنند و زمانی که پسته‌شان بخواهد فروش برود، به ما می‌گویند از فلان قیمت کمتر نده! مخصوصاً ماها که حق‌العملکار هستیم فعلاً دنباله روی نرخ دلار هستیم. در حال حاضر، عرضه و تقاضا نقش چندانی در تعیین قیمت پسته ندارد، بلکه قیمت پسته دنباله‌روی نرخ دلار است. نه تنها نرخ پسته، بلکه وضع قیمت همه چیز همین‌طور است.

قیمت دلار را در یک عددی به عنوان قیمت دلاری پسته ضرب می‌کنند و می‌گویند این قیمت پسته است. آیا این درست است؟

بله، از این طریق نرخ ریالی پسته را درمی‌آورند. اما نرخ دلار معمولاً به صورت ساعتی نوسان دارد.

خب! قیمت پسته چند دلار است؟

معمولاً صادرکنندگان نرخ‌ها را اعلام می‌کنند و این قیمتی است که آنها دارند صادر می‌کنند. خوشبختانه، اینترنت همه جا حتی به دهات هم رفته و مالکان صبح به صبح نگاه می‌کنند و از نرخ‌های خارجی باخبر می‌شوند. معمولاً نرخ پسته باب طبع اروپا یا چین را می‌گیرند و ضرب در نرخ دلار می‌کنند و قیمت را به دست می‌آورند و آن را مبنا قرار می‌دهند. **قیمت دلاری که صادرکنندگان اعلام می‌کنند چطور به دست می‌آید؟**

در بازار ۲۰۰ هزار تنی پسته ایران، این کار چقدر می‌تواند اثرگذار باشد؟

ببینید بورس پارسال چه اثری گذاشت! اثرش منفی بود. نتیجه این کار هم احتمالاً به همان حالت درخواهد آمد.

کشاورزان می‌گویند قیمت پسته ایران به دلار است، پس باید دلاری از ما بخرید.

به هر حال صادرات به دلار است، به ریال که صادر نمی‌شود. ماشاءالله همه زرنگ شده‌اند و همان قیمت را طلب می‌کنند. اما این فرمول درست نیست. باید یک حساب و کتابی باشد. ببینید! هزینه آماده سازی محصول برای صادرات چقدر می‌شود؛ نرخ تورم مملکت چقدر است؛ کشاورزان چقدر باید به قیمت اضافه بکنند؛ اینها باید حساب شود و بعد قیمت تعیین شود. ولی فعلاً اقتصاد ناسالم است و نمی‌شود انتظار این چیزها را داشت. به نظر من وقتی یک هرج و مرج اقتصادی، بحران اقتصادی یا لجام گسیختگی داریم، دیگر نمی‌شود روی معادلات حساب کرد.

اینکه می‌گویند قیمت پسته را عرضه و تقاضا تعیین می‌کند یعنی چه؟

عرضه و تقاضا یعنی خریدار و فروشنده در مقابل هم قرار می‌گیرند و خریدار پسته در داخل حساب می‌کند که اگر

پسته بخرد و با حساب هزینه‌هایش ببرد آن طرف بفروشد چیزی برایش می‌ماند یا نه؛ اگر ببیند سود دارد، پسته را می‌خرد و تولیدکننده هم منافع خودش را در نظر می‌گیرد.

شما گفتید قیمت پسته الان از قانون عرضه و تقاضا تبعیت نمی‌کند. توضیح می‌دهید که چه اتفاقی افتاده؟

دلیل این امر وجود بحران‌های اقتصادی در مملکت است. الان نرخ دلار نوسان دارد و بالا و پایین می‌شود. اگر اقتصاد سالم حرکت می‌کرد، می‌شد گفت قاعده عرضه و تقاضا قیمت پسته را تعیین می‌کند.

بعضی از تجار معتقدند هزینه‌هایی که برای آماده سازی و صادر کردن پسته می‌پردازند بالا است. نظر شما چیست؟

نرخ تورم در مملکت هر ساله بالا می‌رود و روی همه چیز اثر می‌گذارد؛ هزینه‌های حمل و نقل، بیمه، دستمزد کارگر، هزینه انبارداری و سورتینگ پسته بالا می‌رود.

وضع صادرات پسته در سال جدید چگونه بوده؟

معمولاً در گذشته، در مجموع ماه‌های مهر، آبان و آذر چیزی حدود ۱۰۰ هزار تن می‌توانستیم صادر کنیم و اوج صادرات مان تا آخر آذرماه بوده‌است. الان فکر می‌کنم یک مقدار رکود است و امیدوارم که امسال نیز به این حد برسیم.

خیلی از کشاورزان به دلیل تورمی که شما گفتید هزینه‌های خرید کود و سم و باغداریشان زیاد است و معتقدند باید قیمت پسته بالاتر برود.

افزایش نرخ تورم داخلی ما را که مصرف کننده خارجی نمی‌آید قبول کند! مصرف کننده خارجی به نرخ تورم مملکت خودش نگاه می‌کند. افزایش تورم آنها به اندازه ما نیست و اگر مصرف کننده ببیند قیمتی که اضافه شده بالاتر از نرخ تورم‌شان است، کالا را زمین می‌گذارد و کالای جانشین دیگری می‌خرد و مصرف می‌کند. ما که نمی‌توانیم نرخ تورم مملکت‌مان را به مصرف کننده خارجی تحمیل کنیم.

می‌گویند پسته در کشور مقصد دو، سه برابر قیمت دلاری پسته در ایران فروش می‌رود. این حرف درست است؟

شما باید بروید در آن مملکت زندگی کنید تا ببینید آنها بر چه مبنایی قیمت گذاری می‌کنند! مسلماً آن طرف هر قدر قیمت را اضافه کنند از شان مالیات می‌گیرند.

من زیاد به این امور اشراف ندارم، ولی یک وقتی پرس و جو کردم که در آلمان وضع چگونه است؛ اگر آنجا قیمت از یک حد بالاتر باشد، مابقی را از آنها مالیات می‌گیرند. مملکت‌شان درست است و قانون دارد. آنها می‌دانند چه طور باید حساب کنند. کل تعیین قیمت پسته ایران دست صادراتچی ایرانی نیست! وقتی شما رقیبی مثل آمریکا دارید چه کار می‌خواهید بکنید؟! مجبورید ارزان تر بدهید تا بخرند.

من سال ۱۳۶۰ یک سفر تجاری به انگلیس داشتم. در آنجا شخصی کارخانه تولید بیسکویت داشت، پسته هم کار می‌کرد. می‌گفتند ایشان به هیچ کس وقت ملاقات نمی‌دهد. من به سفارت رفتم و گفتم می‌خواهم از این آقا وقت بگیرم. خلاصه اینکه





به محل کارخانه آنها رفتیم. ایشان من را برد و همه کارخانه را نشان داد و مدیران آن را معرفی کرد. وقتی نشستیم در دفترشان، گفتم می‌خواهم به شما پسته بفروشم. ایشان گفت کار شما چه حُسنی دارد؟ ترانسفرتان خوب است؟ کیفیت‌تان تغییر نمی‌کند؟ و چند چیز دیگر گفتند. من آن موقع دلخور شدم و با خودم گفتم چرا این‌طوری حرف زد. بعد من را سوار کرد و به راه آهن آورد. در مسیر به من گفت من اینها را به شما گفتم، ولی برو ببین اگر می‌توانی با من همکاری کنی با من تماس بگیر. دیدم واقعاً راست می‌گوید، ما نمی‌توانیم! منظور من این است که با وجود رقیبی مثل آمریکا چاره‌ای جز ارزان تر فروختن از آمریکایی‌ها نداریم.

امروز قیمت پسته ما نسبت به نوع آمریکایی‌اش خیلی پایین‌تر است. این طور نیست؟

علتش را الان به شما می‌گویم. پسته ایران نیاز به یک شرکت دارد که نه تعاونی و نه دولتی باشد؛ یعنی تولیدکنندگان داخلی اگر بتوانند شرکتی نظیر پارامونت آمریکا تشکیل بدهند و محصولات خودشان را داخل آن جمع کنند، می‌توانند چنین توفیقی پیدا نکنند. در آمریکا یک قدرت خاص به نام پارامونت هست که ۶۰ درصد پسته آمریکا را در اختیار دارد؛ خودش تولید می‌کند و می‌تواند تصمیم بگیرد و اجرا کند. می‌دانید در ایران چند هزار تولیدکننده وجود دارد که اکثراً خرده مالک هستند و حتی عمده مالکانش را هم در مقابل پارامونت می‌شود خرده مالک به حساب آورد! اگر تولیدکنندگان داخلی بتوانند یک تشکل بزرگ به وجود بیاورند، که در ایران یک چنین چیزی هم اتفاق نمی‌افتد، آن وقت می‌توانند توافق کنند که پسته را به چه قیمتی بفروشند. این کار را بخش

خصوصی باید انجام دهد؛ تعاونی و بورس در ایران نتیجه مطلوبی نداشته‌اند. اگر بخش‌های خصوصی فعال باشند و مدیریت صحیحی اعمال کنند، توفیق بیشتری خواهند داشت.

چرا در شرایط ایران امکان تشکیل چنین شرکتی وجود ندارد؟

از همان روزی که به دنیا آمدید این را شنیده‌اید که گفته‌اند اگر شریک خوب بود، خدا هم شریک می‌گرفت! اینجا همین موضوع جا افتاده و نرفتیم دنبالش که ببینیم آیا این حرف درست است یا نادرست! اما اکثر شرکت‌های خانوادگی در ایران توفیق داشته‌اند.

اگر فرض کنیم چنین شرکتی در ایران تشکیل شود؛ فکر نمی‌کنید سیاست‌مداران آمریکایی به راحتی آن را تحریم کنند؟

آنها موقعی تحریم می‌کنند که کار صادرات پسته را کسانی به دست بگیرند که نهایتاً پول پسته را جای دیگری ببرند و یا پولشویی شود. اگر شرکتی بیاید و کار درست انجام دهد، هرگز آمریکایی‌ها نمی‌توانند این کار را بکنند. **برخی معتقدند باید یک شرکت بزرگ صادرات پسته در ایران تأسیس کنیم و عده‌ای دیگر می‌گویند مشکل ما به دلیل ساختار خرده مالکی است و باید مشکل در این قسمت حل شود. نظر شما چیست؟**

اگر بشود شرکت‌های بزرگ کشاورزی تشکیل شود و خودشان تصمیم بگیرند، خیلی بهتر است. یعنی خرده مالک در این شرکت تولیدی سهمی شود و موظف شود که پسته‌اش را در همین شرکتی که شریکش حضور دارد به فروش برساند. **پس با وضع فعلی شما حتی به نزدیک شدن قیمت پسته ایران به آمریکا هم امید می‌دارید؟**

نه، آنها قدرت دارند. ما نمی‌توانیم. ما باید پسته‌مان را به قیمت پایین‌تر بدهیم. ما در تولید پسته باید بهره‌وری را بالا ببریم؛ یعنی تولید محصول در یک هکتار بالا برود.

برخی می‌گویند قیمت اول فصل توسط یکسری از کانون‌های غیر رسمی در ایران اعلام می‌شود و دهان به دهان می‌چرخد. این درست است؟

به نظر من، فعلاً این موضوع هم دنباله‌روی قیمت دلار است.

من قبل از انقلاب کارهای صادراتی شرکت صادرات پسته ایران را می‌کردم و دو شعبه در نیویورک و هامبورگ داشتیم. آن روزها عرضه و تقاضا، قیمت را تعیین می‌کرد و این حرکت‌های نابه‌جا وجود نداشت که به قول شما یک نهادهای غیررسمی قیمت را تعیین کنند.

در این شرایط باید چکار کرد؟

یکسری از دوستان ما عادت کرده‌اند که در مقابل هم جبهه بگیرند. قبلاً این عادت در رفسنجان بود، الان همه جای ایران عادت شده‌است. صادرکنندگان با تولیدکنندگان لازم و ملزوم هم هستند. باید اینجا یک مقدار منطقی‌تر فکر کنند تا منافع هر دو گروه تأمین شود؛ کسی که پسته را می‌خرد و صادر می‌کند می‌خواهد سود ببرد یا نهایتاً هزینه و درآمدش سر به سر شود، کشاورز هم که تولید کرده می‌خواهد بهای زحمت یک ساله‌اش را ببرد.

کشاورزان روی یک موضع مسئله دارند؛ می‌گویند تجارت رفته‌اند آن طرف قیمت دلاری پسته را پایین آورده‌اند!

می‌توانم یک خواهش بکنم! انجمن پسته ببیند کسانی که این کار را می‌کند چه کسانی هستند؟! ببیند از خود تولیدکننده‌ها هستند یا نه! بعضی از تولیدکننده‌های پسته، بچه‌هایشان بزرگ شدند، احساساتی شدند، محصول کشاورزان بیچاره را گرفتند و با محصول خودشان روی هم گذاشتند و دارند این کارها را

می‌کنند. یک آدم منطقی که پنجاه سال دارد صادرات می‌کند این کارها را نمی‌کند. اکثراً هم در منطقه این کار رواج پیدا کرده‌است. اینها هم خودشان ضرر کردند، هم به مملکت ضرر رساندند.

علاوه بر این، کشاورزان می‌گویند تجارت حاشیه سود خیلی بالایی دارند و برای کسب این سود به ما فشار می‌آورند.

من صادراتچی نیستم، من حق‌العملکار هستم. من می‌بینم کشاورزان می‌گویند تا قران آخر باید حتماً به جیب خودمان برود. پسته‌ای که احتمالاً ۱۸۰ هزار تومان می‌ارزد را می‌گویند کمتر از ۲۰۰ هزار تومان نده! تا قران آخرش راهم می‌گیرند.

به نظر شما چرا تولیدکنندگان پسته با هم جمع نمی‌شوند تا پسته را صادر کنند و آن را به قیمت بالاتر و دلچسب بفروشند؟ توان این را نداشتند که بروند یک شرکت درست و حسابی تشکیل دهند و خودشان صادر کنند. به نظر من، هیچ اشکالی ندارد که این کار را بکنند. اگر مدیریت صحیح

دارند می‌توانند خودشان این سود بالایی که می‌گویند را ببرند. اگر بتوانند شکل خصوصی و خوبی برای خودشان تشکیل دهند و سهامدارش خود تولیدکننده‌ها باشند و موظف باشند پسته‌شان را تحویل همین شرکت دهند، خوب است.

امسال بعضی از شرکت‌ها گفتند ما پسته را به صورت دلاری می‌خریم. آیا این کار مشکلی دارد؟

حتماً این کار آزاد است که کسی شرکت درست کند و بخواهد ابتکار به خرج بدهد. ان‌شاءالله که سود ببرند. ما به اقتصاد بسته و کمونیستی اعتقاد نداریم. هر کس می‌تواند آزادانه خرید و فروش کند. منتهی پسته متعلق به تولیدکنندگان است و نباید آن را نابود کنند. اگر سرمایه متعلق به خودشان باشد، ریسک بکنند، اشکال ندارد. ان‌شاءالله که سود ببرند، ولی اگر نبرند هم مال خودشان است. ولی روی مال مردم نباید ریسک کرد و آن را از بین برد.

شما گفتید این کار عاقبت خوشی ندارد!

بله! اگر شخص موقع دریافت پسته تولیدکننده به او دلار بپردازد اشکال ندارد، اما اگر بخواهد پس از فروش پسته این کار را بکند ممکن است ضرر بکند و نتواند پولش را پس بدهد که معمولاً چنین است. وقتی نتوانست پس بدهد تولیدکننده را بدبخت می‌کند. اگر سرمایه خودش باشد هیچ اشکالی ندارد، آزاد است و اختیار مالش را دارد. در هر صورت ریسک آن باید برعهده خریدار باشد.

می‌گویند ما دلار می‌آوریم و هر وقت کشاورز خواست آن را تبدیل به ریال می‌کنیم و می‌پردازیم.

می‌گویند تا عمل فرق دارد!



تداوم صادرات پر قدرت پسته ایران

کمیته بازرگانی انجمن پسته ایران

۱ در ماه سوم سال محصولی جاری، مانند ماه گذشته، میزان صادرات قابل توجه بود. صادرات پسته در آذرماه نزدیک به ۲۸ هزار تن، معادل پسته خشک در پوست، گزارش شد. این عدد نسبت به صادرات ماه قبل که ۴۱ هزار تن گزارش شده بود با حدود ۳۲ درصد افت همراه بوده، اما این کاهش به دلیل نزدیکی به تعطیلات سال جدید میلادی، طبیعی است.

۲ آمار تجمعی ۹۵ هزار تنی صادرات پسته خشک در پوست ایران در سه ماه اول سال محصولی نشان می‌دهد، ۵۴ هزار تن از کل میزان صادرات در این سه ماه به شرق دور صادر شده است. باید در نظر داشت که پسته کالیفرنیا صادرات ۴۸ هزار تنی به بازار شرق دور را تجربه کرده است. ۳ تعطیلی‌های اجباری و گسترده مربوط به اپیدمی کرونا در آستانه سال جدید، باعث رکود و کاهش

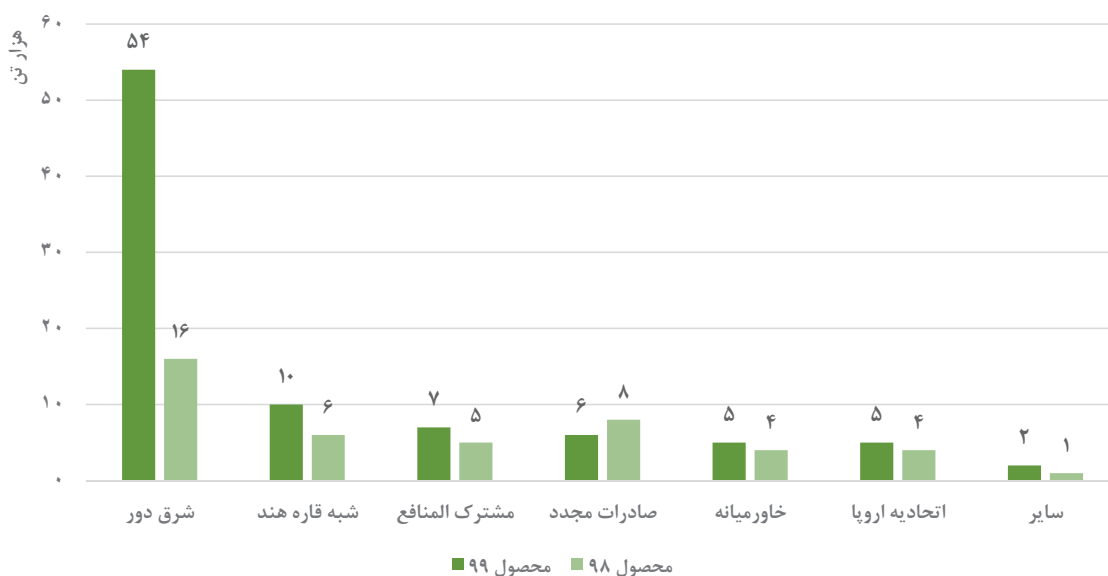
کشش خرید در بازار اروپا شده است، اما همچنان عامل قیمت باعث شده در برخی بازارها که خرید پسته سوپرمارکتی ندارند، پسته ایرانی جذابیت بیشتری داشته باشد. مانند ماه‌های گذشته تقاضا برای پسته ناخندان بالا است و ترجیح زیادی برای خرید پسته ناخندان در مقابل خرید مغز پسته وجود دارد.

۴ صادرات تجمعی پسته به شبه قاره هند حدود ۱۰ هزار تن گزارش شده که ۷ درصد آن سهم فروش مغز در این بازار بوده است. افزایش بازاریابی در زمینه فروش مغز که پتانسیل بالایی در شبه قاره هند دارد، می‌تواند وزنه مهمی برای حفظ سهم بازار ایران به حساب آید.

۵ شاید بارزترین مزیت نسبی صنعت پسته ایران نسبت به رقبای دیگر، تعداد زیاد صادرکنندگان و عرضه‌کنندگان پسته باشد که به

تبع آن بازاری با رقابت بالا و آزاد را پدید آورده است که در آن هر کدام از این بازیگران به تنهایی قادر به تأثیر عمیق در بازار نیستند. رشد صادرات پسته در وهله اول مرهون قیمت بسیار رقابتی پسته ایران در بازارهای هدف و در مرحله بعد وابسته به بازار آزاد و رقابتی است که به دلیل طبیعت صنعت پسته ایران شکل گرفته است. از این رو، امیدواری نسبت به حفظ بازارهای کنونی و توسعه آن با وجود رقبای سرسخت و منطقی ایران در بازارهای جهانی کماکان وجود دارد. ۶ امید به خروج سریع‌تر از اپیدمی کرونا علی‌رغم گزارشات متأثرکننده جدید از رشد آن، با کاهش روبه‌رو شده است. اما تأثیر مثبت بر بازارهای مالی قطع نشده و امید این می‌رود که تا اواسط تابستان آینده اوضاع اقتصادی به سمت بهبود پیش برود.

آمار تجمعی صادرات انواع پسته در سه ماهه اول سال تجاری ۹۹ در مقایسه با سال قبل به تفکیک مقاصد مختلف (هزارتن)



نخبگان سیاسی؛ مصرف کنندگان پنهان آب

محمد عبداللهی عزت آبادی، عضو هیئت علمی پژوهشکده پسته کشور، ۲۶ سال در زمینه تقاضای آب که بیشتر مدیریت باغ بوده و همچنین در خصوص عرضه آن که حفاظت از منابع آبی بوده کار کرده است. در گفت و گویی که با وی داشتیم، عبداللهی به ریشه یابی عدم موفقیت در حکمرانی آب پرداخته و راهکارهایی را در جهت حل مشکل ارائه می دهد که در قالب یک یادداشت در این شماره ارائه شده است. سپس این عضو با سابقه پژوهشکده پسته دیدگاه های خود را در زمینه تعدیل پروانه های بهره برداری، مشکلات استفاده از کنتورهای حجمی، انتقال آب درون حوضه ای و مسائل قانونی مرتبط با نصب آب شیرین کن عنوان می کند که در قالب مصاحبه در شماره بعدی ماهنامه دنیای پسته منتشر می شود.

محمد عبداللهی

عضو هیئت علمی پژوهشکده پسته کشور

روش های حفاظت از منابع آب

برای حفاظت از منابع آب سه روش وجود دارد: نخست، روش قانونی است؛ یعنی بر مبنای آب موجود که سطح پایدار استفاده از منابع آب را مشخص می کند و با صدور پروانه، برداشت را کنترل می کنند، هر کس تخلف کند با او برخورد قانونی می شود و باید جریمه بپردازد.

روش دوم، استفاده از انگیزه های اقتصادی است. بهره برداران برای کسب منفعت اقتصادی از منابع آبی برداشت می کنند و اگر کسب منفعت اقتصادی به حدی برسد که برای آن منبع مضر باشد، برای پایین آوردن انگیزه برداشت از آن، مالیات وضع می کنند. در واقع، در این روش از یک منبع به میزانی استفاده می شود که منفعت اقتصادی استفاده از آن بیشتر از استهلاک و هزینه های آن باشد. از طرف دیگر، بالا بردن هزینه ها باعث می شود که بهره بردار در جهت کسب منفعت بالاتر، سراغ بهره وری بیشتر برود و در صورتی که این کار مقرون به صرفه نباشد، برداشت افزایش پیدا نمی کند.

مانند بخش های شرب، صنعت، معدن، خدمات و کشاورزی یک مصرف کننده دیگری به نام «نخبگان سیاسی» دارد. این قشر از جامعه برای رسیدن به اهداف خودشان از این منبع استفاده می کنند. البته در همه کشورها نخبگان سیاسی وجود دارند، اما هر چه آنها ایده های نو و جذاب کمتری داشته باشند از این منابع بیشتر استفاده می کنند. این اصلی ترین مشکلی است که ما داریم و باعث شده به هر راهی که می رویم به بن بست برسیم.

ممکن است که برخی بگویند که زمینه های رشاء و ارتشاء در وزارت نیرو و شرکت های زیر مجموعه آن باعث بروز این مشکلات شده است؛ من معتقدم بلکه این طور است، اما ریشه تمامی مشکلات در شرکت های آب منطقه ای نیست. بلکه بحث اصلی وجود نخبگان سیاسی است که برای رسیدن به اهدافشان از منابع طبیعی استفاده می کنند. چنانچه نخبه سیاسی بخواهد پیگیر فساد شرکت ها شود خواهناخواه مخالفانی پیدا می کند و این باعث کاهش بهره وری سیاسی او می شود.



رابطه نخبگان سیاسی و آب

ما در زمینه حفاظت از منابع آب نتوانسته ایم کاری از پیش ببریم و هیچ کدام از کارها و روش هایی را که انجام داده ایم به سرانجام نرسیده اند! شاهد این مدعا این است که در حال حاضر منابع آب تخریب، چاه ها کم آب یا خشک و آب ها شور شده اند و کشاورزان در حال رها کردن باغ های پسته خود هستند. به نظر من، دلیل ناکامی در اجرای روش های حفاظت از منابع آب در ایران این است که منبع آب علاوه بر مصرف کنندگان حقیقی

روش سوم، استفاده از روش‌های توصیه‌ای است. این کار بر عهده تشکل‌های مردم‌نهاد است و در این روش مردم به صورت اختیاری به این نتیجه می‌رسند که اگر خودشان از منابع حفاظت کنند به نفعشان است. در این حالت مردم خود را صاحب منبع می‌دانند و برداشت را کنترل می‌کنند.

ویژگی‌های ابزار حفاظت

چنانچه استفاده از هر یک از سه روش توضیح داده شده مدنظر باشد، باید از ابزاری برای حفاظت از منابع آب بهره برد که چهار ویژگی داشته باشد:

۱ قابلیت اجرا: مثلاً اگر گفته شود چاه‌ها باید یک روز در هفته خاموش شوند این کار امکان‌پذیر نیست. شاید خاموشی در یک ماه را بتوان کنترل کرد، اما برای یک روز در هفته امکان‌پذیر نیست.

۱ کارایی: کارکرد ابزار مورد استفاده باید در جهت افزایش کارایی مصرف آب باشد. مثلاً الآن قانونی وجود دارد که انتقال آب به اراضی مرغوب‌تر را منع می‌کند. این قانون موجب اتلاف آب است و کارایی ندارد.

۱ برابری: ابزار باید به نحوی عمل کند که خرده مالک و عمده مالک سهم برابر داشته باشند، نه اینکه به اندازه مساوی سهم ببرند، بلکه عادلانه استفاده شود؛ مثلاً خاموشی چاه‌ها برای همه یکسان بود.

۱ پایداری: ویژگی دیگر این ابزار

منجر به استفاده پایدار از منابع آب شود؛ یعنی بتوانیم به هدف اصلی برسیم.

چهار دهه ناکامی

در این ۴۰ سال، استفاده از سه روش گفته شده برای حفاظت از منابع آب جواب نداده است. قانون اجرا نمی‌شود. استفاده از انگیزه‌های اقتصادی نیز امکان‌پذیر نیست، چون یارانه دادن و رایگان بودن آب، باعث شده اهرم انگیزه‌های اقتصادی برای کنترل برداشت موثر نباشد. تشکل‌های مردم‌نهادی هم که تشکیل شدند، تشکل‌های مردم‌نهاد واقعی نبودند و هیچ‌یک از آنها موفق نبودند.

همچنین، وزارت نیرو هم از ابزارهایی استفاده می‌کند که چهار ویژگی ذکر شده را ندارند. چون به طور کلی دولت و به‌طور خاص شرکت آب منطقه‌ای که باید حافظ منابع آب باشند، باید رضایت نخبگان سیاسی را هم در این موضوع در نظر بگیرند و آب به ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی تبدیل می‌شود. بنابراین، شرکت‌های آب منطقه‌ای در مواقعی مجبور میشوند ابزارهایی را انتخاب کنند که بعضی از ویژگی‌های مذکور را ندارد. از جمله معیارهایی که معمولاً نادیده گرفته می‌شود دو ویژگی کارایی و برابری است.

مثال‌هایی از ابزارهای ناکارآمد در حفاظت

به عنوان مثال: وزارت نیرو جلوی انتقال آب به اراضی مرغوب را می‌گیرد، در حالی که این کار از لحاظ اجرایی قابلیت اجرایی بالایی دارد. وزارت نیرو می‌داند که اگر انتقال آب را اجازه بدهد، انگیزه برداشت آب بیشتر می‌شود و چون نمی‌تواند این موضوع را کنترل کند، ویژگی کارایی برایش مهم نیست. بنابراین، ترجیح می‌دهد که آب را در یک بیابان هدر دهد، ولی اجازه ندهد که آب به زمین مرغوب برسد.

مثال دیگر، کاهش پروانه آب برای باغ‌هایی است که زمین‌ها شده دارند یا کم آب شده‌اند. اگر پروانه آب یک چاه ۳۰ لیتر بوده و امروز آبدهی آن به کمتر از ۲۰ لیتر رسیده باشد و صاحب چاه بخواهد برای افزایش بهره‌وری قسمتی از باغش را از آب بیاندازد، شرکت آب منطقه‌ای در دو مرحله پروانه‌اش را کاهش می‌دهد؛ اول چون ظرفیت آبدهی چاه بیش از ۲۰ لیتر نیست، پروانه برداشت به ۲۰ لیتر تقلیل پیدا می‌کند و مجدداً به دلیل کاهش سطح زیر کشت، مقدار برداشت در پروانه را کم می‌کند. این روش غیرکارا است و باعث می‌شود که کشاورز به دنبال افزایش برداشت آب با روش‌های مختلف مثل گالری زدن و کف شکنی برود.

مورد دیگر اینکه، معمولاً شرکت‌های آب منطقه‌ای در صدور مجوز جابه‌جایی و حفر گالری تأخیر می‌کنند و معمولاً افرادی که قدرت سیاسی و مالی دارند به راحتی مجوز می‌گیرند، در حالی که بیشترین سختگیری‌ها برای بهره‌بردارانی است که قدرت سیاسی و مالی ندارند.

در واقع وزارت نیرو از یک سری بهانه برای پیشبرد اهدافش استفاده می‌کند. چون نمی‌تواند قانون را اجرا و برداشتها را کنترل کند به دنبال بهانه‌ای است





که بتواند آن را جبران کند. مثلاً سال گذشته شرکت آب منطقه‌ای رفسنجان نتوانست خاموشی یک ماهه را به دلیل نفوذ نخبگان سیاسی اجرا کند، در عوض در طول سال که یک چاه کم آب می‌شود و می‌خواهد مجوز برای کف شکنی و جابه‌جایی بدهد به جای اینکه در عرض ۵ روز مجوز صادر شود، ۵۰ روز طول می‌کشد.

چه باید کرد؟

در شرایط فعلی و بعد از تحقیق فراوان در این زمینه به این نتیجه رسیده‌ام که هیچ راهکاری برای حفاظت از منابع آب وجود ندارد. شرکت‌های آب منطقه‌ای و مردم، هر دو برای رسیدن به اهدافشان راه‌های غیرواقعی (نادرست) انتخاب می‌کنند. شرکت‌های آب منطقه‌ای راه‌هایی را که چهار ویژگی قابلیت اجرا، کارایی، عدالت و پایداری را داشته باشد نمی‌توانند استفاده کنند. مردم هم برای اینکه به اهدافشان برسند از مسیرهای دیگر کارشان را پیش می‌برند، مثلاً وقتی اداره آبیاری مجوز را با تأخیر صادر می‌کند، آنها هم غیرقانونی گالری می‌زنند و کف شکنی می‌کنند. پس هیچ راهی وجود ندارد. بحث دیگر این است که شرایط و دیدگاه مردم به سمت و سویی رفته

است که نخبگان سیاسی می‌توانند از این شرایط استفاده کنند و مسائل آنها را پیش ببرند! وقتی نخبگان سیاسی برای رأی جمع کردن وعده انتقال آب و وعده‌های هزینه کردن از منابع طبیعی را به مردم می‌دهند و از طرف دیگر مردم با مراجعه به آنها می‌توانند پروانه چاه بگیرند و یا جلوی پُر شدن چاه‌ها را بگیرند، هیچ وقت وضعیت درست نمی‌شود. بنابراین، راهی وجود ندارد جز اینکه این دیدگاه عوض شود. ما باید به سمتی برویم که دیدگاه مردم را عوض کنیم و مردم به این نتیجه برسند که اگر هر مسئولی چنین ادعایی کرد و از منابع طبیعی برای رأی جمع کردن استفاده کرد به او رأی ندهند!

اگر مردم به این نتیجه برسند که برداشت کمتر امروز باعث منفعت طولانی‌مدت است و حفاظت از منابع آب تنها راه حفاظت از بخش کشاورزی است، دیگر نخبه سیاسی نمی‌تواند با هزینه کردن از منابع آبی رأی جمع کند. مثلاً نخبه سیاسی نمی‌تواند بگوید که من خاموشی چاه‌ها را در زمستان لغو می‌کنم و شما به من رأی بدهید.

اگر قانون بخواهد اجرا شود، مردم باید

پای کار باشند تا قانون اجرا شود. اگر تشکل مردمی بخواهد تشکیل شود، مردم باید پای کار باشند.

باید توجه داشت که در بعضی موارد منافع اجرا و مضرات عدم اجرای قانون خیلی عیان نیست و به تدریج مشخص می‌شود. مثلاً حفر چاه‌های غیرقانونی و چاه‌هایی که بیش از توان سفره اضافه شدند، ۴۰ سال پیش حفر شده‌اند و مضراتش امروز مشخص شده است. آن زمان مردم نمی‌دانستند که قرار است چه بر سرشان بیاید و کسانی که آن زمان این کار را اجازه دادند الآن هیچ‌کدامشان نیستند، اما آن زمان به هدفشان رسیدند. بنابراین، اجرای قانون در این زمینه خیلی سخت است، چرا که منافع اجرا و مضرات عدم اجرای قانون در بلندمدت و آینده مشخص می‌شود.

بایستی دیدگاه مردم در این زمینه عوض شود که این هم بر عهده نخبگان غیرسیاسی مثل استادان دانشگاه است که نیازی به رأی مردم ندارند. نخبگان غیرسیاسی باید آنچه را که برای مردم خیلی تلخ است را آن‌قدر گوشزد کنند و توضیح بدهند که شیرین به نظر بیاید.

صرافی خندان
KLANDAN
Exchange شماره ثبت: ۴۵۶۳۵



شرکت تضامنی محسن خندان و شرکا
بامجاز رسمی از بانک مرکزی ایران

Naghmeh Building, beside of Sarmayeh Bank, Allay 17, Maali Abad, Shiraz, Iran

شیراز - معالی آباد - نبش کوچه ۱۷ - جنب بانک سرمایه - ساختمان نغمه

(+98) 2191070356 - (+98) 7136230315

باسکولهای دیجیتال جادهای پند



-  مقاوم در برابر فرکانسهای رادیویی
-  مقاوم در برابر شوکهای الکتریکی
-  ضد آب
-  مقاوم در برابر خوردگی و زنگ زدگی
-  کارکرد مناسب در شرایط دمایی نامساعد

لودسل Loadcell





نمایشگر دیجیتالی PU850



حافظه نامحدود با دو نمایشگر مجزا



باسکول بتن - فلز

- نصب سریع و آسان
- استحکام فوق العاده
- قیمت تمام شده پایین
- قابلیت نصب بصورت همسطح و برجسته
- دارای فریم فلزی (OPTIONAL)
- حداقل خاکبرداری جهت نصب باسکول
- فوندانسیون پیش ساخته (شناژ ورودی و خروجی)
- مقاومت بالا در برابر بارهای دینامیکی و استاتیکی
- قابلیت جابجایی در کوتاهترین زمان ممکن
- دسترسی آسان به قسمتهای مختلف باسکول جهت تمیزکاری و تعمیرات
- مناسب برای شرایط آب و هوای سخت و محیطهای شیمیایی



Momtazan Industrial Co.

شرکت صنایع ممتازان



شرکت صنایع ممتازان کرمان

اولین ابداع کننده سیستم فرآوری محصول پسته به روش تمام اتوماتیک و کاملاً بهداشتی با بیش از ۳۰ سال سابقه و تجربه، ترمینال های فرآوری زیر را عرضه می نماید.

- ترمینال های پوست گیری ، پاک سازی، و جداسازی
- ترمینال های خشک کن پیوسته پسته
- ترمینال های برشته کن پسته
- ترمینال های خندان کن پسته (MO)
- ترمینال های مغز کن پسته
- دستگاه تولید باد، مقابله با سرمازدگی



- Pistachio Processing HL 6000 RW
- Continous Moving Drier CMD 8000 Model
- Storg AND Sorting

- A ترمینال فرآوری پسته مدل: HL 6000 RW
- B ترمینال خشک کن پیوسته مدل: CMD 8000
- C ترمینال ذخیره سازی و جداسازی: HL 6000 RW

Email: info@momtazan.com

Email: Tehran_office@momtazan.com

تلفن: ۰۲۱-۸۸ ۶۱ ۱۸۷۰-۷۸ : ۰۲۱-۸۸ ۶۱ ۱۸۶۹ : فکس
تلفن: ۰۳۴- ۳۲ ۷۵ ۲۵ ۰۰-۶ : فکس: ۰۳۴- ۳۲ ۷۵ ۲۵ ۰۷

دفتر تهران: بزرگراه همت ، خیابان شیراز جنوبی، نبش خیابان علیخانی ، پلاک ۱۲
دفتر مرکزی و کارخانه: کرمان ، کیلومتر ۵ جاده زنگی آباد

Tehran Office: No.12, Corner of Alikhani St, Southern of Shiraz Ave, Hemmat Highway, Tehran- IRAN Tel: (+9821) 88 61 18 70 - 78 Fax: (+9821) 88 61 18 69

Central Office & Factory: 5 th Km of Zangiabad Road, Kerman-IRAN

Tel: (+9834) 32 75 25 00-6 Fax: (+9834) 32 75 25 07



افزایش کلسیم
کاهش شوری



کالبنیت

- ✓ کود کلسیم دار و ضد شوری
- ✓ حلالیت کامل و قابلیت استفاده در انواع آبیاری مدرن
- ✓ کاهش اثر رسوبگذاری با فسفر

میکرونو

- ✓ حاوی عناصر ریز مغذی (آهن، روی، منگنز) با پی اچ اسیدی
- ✓ حلالیت بالا
- ✓ مناسب برای غنی سازی کودهای آلی و دامی (چالکود)



دفتر مرکزی: ۰۲۳ - ۳۵۲۳ ۹۶۸۲

استان خراسان: ۰۹۱۵ ۹۱۱ ۰۹۰۳ - ۰۹۱۵ ۳۰۳ ۷۸۶۳

کرمان: ۰۹۱۳ ۲۴۰ ۹۶۷۱ - ۰۳۴ - ۳۲۷۳ ۴۷۱۰

سیرجان: ۰۹۱۹۰۵۸۸۸۷۹



S.N.P CO

شرکت بازرگانی نوید پسته سیرجان

Sirjan Navid Pistachio Co

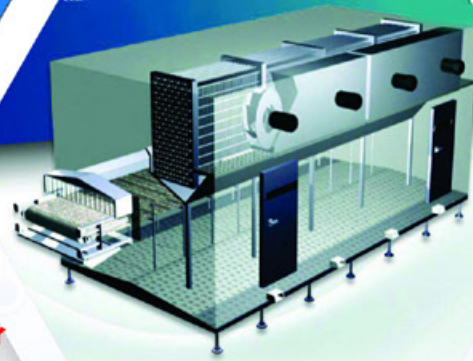


آدرس : کرمان، سیرجان انتهای بلوار
امام رضا (ع) جنب بانک کشاورزی

تلفن : ۰۳۴-۴۲۲۰۵۸۰۰-۱
نمبر : ۰۳۴-۲۲۰۵۶۲۰۴



صنایع پرودتی سردینه



افتخار داریم تا با سعادت از خداوند منان و تکیه بر کارشناسان زبده خود کالاهای صنایع پرودتی سردینه را به شرح زیر معرفی نماییم:

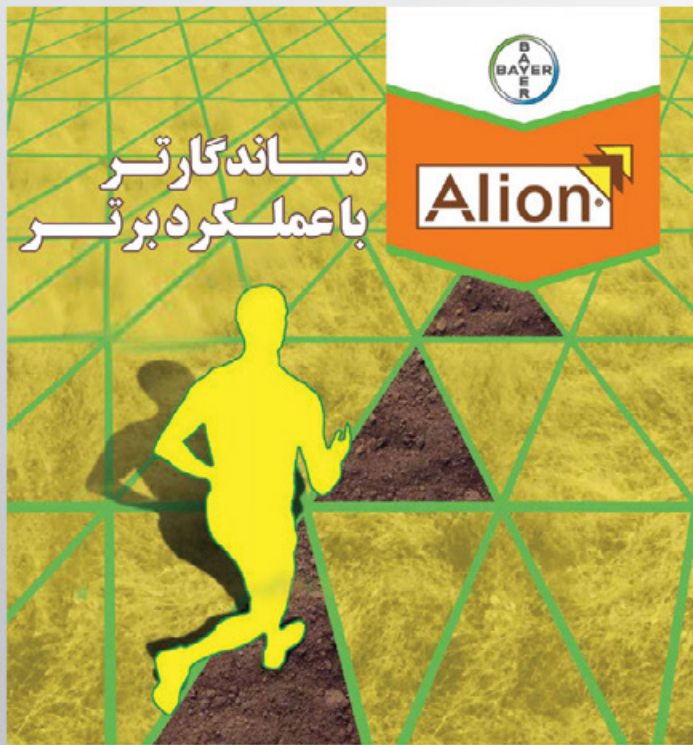
- ✓ انواع سردخانه های ثابت و متحرک
- ✓ انواع ساخت اتاقک کانکس ثابت و متحرک
- ✓ انواع کانکس های وانت و کامیون با کمترین وزن با سیستم و بدون سیستم پرودتی
- ✓ چیلر، آیس بانک، تونل انجماد
- ✓ شیر سردکن، پلیتی، شیر خنک کن با آیس بانک و بدون آیس بانک در حجم های متفاوت
- ✓ سردخانه های جسد ثابت و متحرک
- ✓ اواپراتور، کندانسور، کمپرسور، قطعات تخصصی

طراحی زیبا و بادوام و استحکام بالای تونل انجماد جهت حفظ فرآوردهای نظیر محصولات دریایی و نان صنعتی و بستنی و.....



تلفن سفارش ۰۹۱۲۰۵۵۴۴۵۷ - ۰۹۱۵۱۰۱۱۳۰۰

آدرس کارخانه: خراسان رضوی، شهرک صنعتی چناران، صنعت ۱۸، پلاک ۵



Alion®

آلیون



- نام عمومی: ایندازیفلام
- نام تجاری: آلیون ۵۰% SC
- حاوی: ۵۰۰ گرم ماده مؤثر در لیتر
- علفکش غیر انتخابی و پیش رویشی
- از گروه آلکیل آربین

مرحله مصرف	مقدار مصرف	علف های هرز	محصول
قبل از رویش علف های هرز	۱۰۰ سی سی در هکتار	باریک برگ و پهن برگ های یک ساله	نیشکر
قبل از رویش علف های هرز	۲۰۰ سی سی در هکتار	باریک برگ و پهن برگ های یک ساله	مرکبات
قبل از رویش علف های هرز	۱۵۰ سی سی در هکتار	باریک برگ و پهن برگ های یک ساله	درختان میوه سردسیری

پرنیان رویش آریا



خدمات فنی و مشاوره ای، توزیع نهاده های کشاورزی

تلفن: ۰۵۱ - ۳۸۹۰۳۰۰۰

فکس: ۰۵۱ - ۳۸۶۵۷۵۱۵

Instagram: Parnian_rooyesh

نماینده انحصاری فرمون پروانه چوبخوار پسته پارس بیان (ساتتاموس کانادا)

در ۵ استان کرمان، یزد، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خراسان جنوبی

■ عملکرد چشمگیر در شکار حشرات نر

■ دوام طولانی مدت در محیط (۱۴ الی ۱۶ هفته)

■ عدم خطر برای دشمنان طبیعی، کشاورزان و محیط زیست

■ کاهش هزینه مبارزه با آفت پروانه چوبخوار پسته

■ کاربرد آسان



تلفن: ۰۵۱ - ۳۸۹۰۳۰۰۰

فکس: ۰۵۱ - ۳۸۶۵۷۵۱۵

Instagram: Parnian_rooyesh



AMIN FARMS



طرح شراکتی امین پدیدار

از سال ۱۳۸۰ تا کنون

راه حل مدیریت نوسانات قیمت پسته

باهدف

بالا بردن سرعت فرآوری
جلوگیری از ضرر و زیان اقتصادی باغداران و صادر کنندگان
اطمینان از فروش پسته و دریافت وجه آن
کاهش اضطراب ناشی از نوسانات بازار
افزایش امنیت نگهداری محصول



از شما دعوت می شود به ۳۵۰ باغداری بپیوندید که هم اکنون در این طرح مشارکت دارند

رفسنجان، خیابان مطهری، نبش مطهری ۵۲

همراه: ۰۹۱۳ ۱۹۱۲۱۲۱

فکس: ۰۳۴ ۳۴۳۲۲۲۸۶

تلفن: ۰۳۴ ۳۴۳۲۰۵۶۰

website: www.aplgp.com

email: a.alizadeh@aplgp.com



KOUROSH
PISTACHIO Co.

باز آفرینی اعتبار پسته ایران
در عرصه جهانی

**Major Player in
Saffron and Pistachio**

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولیعصر، کوچه ساعی
یکم، پلاک ۱، ساختمان گلرنگ، طبقه ۶
تلفن: ۰۲۱-۴۵۶۶۴۰۰۰

کارخانه: رفسنجان، کیلومتر ۳۰ جاده رفسنجان-انار،
احمدآباد دئفه، بلوار امین، امین فارمز
ارتباط با کشاورز: ۰۹۱۳۵۸۰۳۴۳۶

www.aminfarms.com
www.peacetachio.com
info@peacetachio.com

